



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آتوایسم (بی‌خدائی جهان) بنیانه علمی و فلسفی بخود بگیرد؟

این دویعت از مباحث بسیار حساس مارکسیسم است که به اتکاء منطقی دیالکتیک، وجدال درونی اشیاء، این دو نتیجه را گرفته است و ما هم اکنون پیرامون موضوع نخست، بحث می‌کنیم و تشریح قسمت دوم را به شماره آینده موکول مینمائیم.

۱- آیا هر نوع بی‌قراری در طبیعت، مایه تکامل است؟

هر نوع بیقراری و نا آرامی را برتری اندیشیدن، زائیده غفلت ازدوسیستمی است که در طبیعت وجود دارد: سیستم باز و سیستم بسته.

سیستم باز، مجموعه ایست که باخارج و با غیر خود، ارتباط و تبادل دارد و مواد غذایی و انرژی لازم ازخارج جذب می‌کند و آنچه زائد است بیرون می‌ریزد.

زمین ما با آنچه که در پشت خود دارد و هر گونه تحول و انقلاب و تولید که طی زمانهای دراز، در آن انجام می‌گیرد از سیستم‌های باز بشمار میرود البته، زمین ماده اولیه را از موجودی خود برداشت میکند، ولی علت و موجب تمام اعمال روی زمین، انرژی بی‌کرانی است که آفتاب ازخارج بر آن ارزانی میدارد.

در سیستم‌های بسته به خاطر بستگی و این که ازخارج تغذیه نمیشود فاقد تکامل می‌باشد و اگر هم تحول در آن رخ دهد،

نضاد: نخستین اصل دیالکتیک

تحول آنها با تنزل و انحطاط و انهدام انرژی و نظم و تشکیلات خواهد بود.

خورشید به حکم این که دارای سیستم بسته است و از جانی تغذیه نمیشود، هر نوع تحول دردل آن، مایه مصرف شدن قسمتی از آن و در نتیجه، سبب افزایش کهولت و بهم خوردن تشکیلات آن است نه تکامل آن.

در ترمودینامیک ثابت شده است که سیستم‌های بسته چون دارای محتوای جسمی و «انرژی تیک» محدود می‌باشند ظرفیت تحول و تولیدشان به همان نسبت بوده و هرگز نمی‌توانند بیش از خودشان را بسازند.

اگر دارای جنب و جوش و حرکتی باشند تحول آنها، همیشه توأم با افزایش «انترپی» (کهولت و پیری) است یعنی تنزل و انحطاط و انهدام انرژی مؤثر و بطور کلی ارزش سیستم‌های معجزا، پیوسته و بکاهش میرود.

و برای دستگاههای محدود و معجزا، هم حرکت ابدی و مستمر، وهم تکامل و برتر شدن، مردود و محال شناخته شده است و فقط سیستم‌های باز می‌توانند در شرائط خاصی خصیلت حفظ تولید و تکامل را داشته باشند.

آیا تحول‌تازها، همه جا با تکامل همراه است؟

مارکسیسم، معتقد است که تبدیل «تاز» از طریق «آنتی‌تاز»، به «سنتز» پیوسته به صورت تصاعدی و تکاملی است و همیشه از ترکیب آن دو، سنتزهای کامل‌تری بوجود

می‌آید استالین در این مورد می‌نویسد:

«اسلوب دیالکتیک بر این است که سیر تکاملی را نباید به مثابه حرکت دورانی، به مثابه تکرار ساده مراحل گذشته دانست بلکه باید، آن را به مثابه حرکت صعودی، از مثابه حالت کیفی کهنه به حالت کیفی نو به مثابه تکامل از ساده به پرفرنج، ازدانی به عالی تلقی کرد.

انگلس می‌گوید: طبیعت، سنگ محک دیالکتیک است و علوم طبیعی معاصر که مصالح بسیار فراوان و روز افزون برای آزمایش دیالکتیک، بدست می‌دهد، ثابت کرده است که طبیعت چنین نیست که آنها بر روی دایره‌ای که همیشه یکسان است دور بزنند» (۱)

ما در بحث حرکت (اصل دوم دیالکتیک) پیرامون معنی تکامل، بحث گسترده‌ای خواهیم داشت و ثابت خواهیم کرد که از نظر فلسفه تمام تحول‌ها و تغییرها، بسوی تکامل است و این مطلب را از بیان یادشده در زیر ثابت خواهیم نمود.

تکامل در فلسفه، جز این نیست که قوه‌ها به فعلیت‌ها و توان‌ها به شدن‌ها، تبدیل گردد در این صورت همه حرکتها حتی حرکت‌های مکانی و دایره‌ای و میکانیکی یک نوع، تکامل خواهند بود، زیرا از آنجا که جسم توان این را دارد که از نقطه‌ای به نقطه‌ای منتقل گردد، و با انتقال خود، این توان را بفعلیت می‌رساند.

۱- رساله ماتریالیسم دیالکتیک ص ۹

نضاد: نخستین اصل دیالکتیک

از این جهت تمام حرکات مهم از میکانیکی و دینامیکی و همه نوع تحولات اعم از ذهنی و جوهری از دیده‌یک فیلسوف تکامل است هر گاه ملاک تکامل، همان باشد که استالین می‌گوید، یعنی تبدیل‌تزی از طریق «آنتی‌تزی» به سنتزهای کامل‌تر و از تبدیل کیفی به کیف دیگر، باید اعتراف نمود بسیاری از تبدلات به مثابه یک حرکت دوره‌ای است و ارتکامل و پیدایش کیف جدید در بسیاری از مراحل، خبری نیست بلکه یکتوخت افزایش کمی است مانند تخم سیب، پس از کاشتن به درخت بزرگی تبدیل می‌شود و درخت در هر سال مثلاً صد کیلو سیب می‌دهد، تبدیل تخم سیب به درخت میب، هر چند کیفیت جدید است، ولی اگر نتیجه را در نظر بگیریم، نتیجه، جز، افزایش کمی چیز دیگری نخواهد بود درحقیقت یک سیب به هزاران سیب که یکتوخت افزایش کمیت است به کمیت تبدیل می‌یابد و «سنتز» در مرحله دوم عین همان تزی در مرحله نخست است: چیزی که هست از نظر کمیت افزایش یافته است از این مثال، روشن می‌گردد که تبدیل تخم مرغ به مرغ و آنگاه تبدیل مرغ به صدها تخم، فقط تبدیل کمیت به کمیت است و اگر تصاعدی در کار باشد فقط از نظر

تعداد و شماره است
مارکسیسم «سنتز» اول را با تزی نخست (دانه - درخت) و (تخم مرغ - مرغ) مقایسه می‌کند و می‌گوید این نوع تحولات

لطفاً ورق بزنید

تحولات کیفی است و تبدلات در مسیر تصاعدی است و اگر اوستز دوم را (میوه- های درخت، تخم مرغهای مرغ) در نظر بگیرد، و آن را با ترنخست (دانه سیب - يك تخم مرغ) مقایسه کند خواهد گفت که تحولات از قبیل تبدیل مقدار کم بمقدار بیشتر است .

اکنون با این شواهد بروشنی خواهیم دید که چگونه سران مارکسیسم اصرار می‌ورزند که ثابت کنند همه نوع تبدلات و دگرگونیها در طبیعت روبه‌تکامل است؟ و بیش از همه در این قسمت «انگلس» اصرار می‌ورزد .

انگلس می‌گوید: « دیالکتیک » بر آن است که جهان، پیوسته در حرکت و تکامل و در فلسفه دیالکتیک هیچ چیز برای همیشه برقرار نیست، هیچ چیز در برابر آن به جز جریان انقطاع ناپذیر پدید آمدن و نابود شدن، بجز، گذاری انتها از مدارج پائین بالا، وجود ندارد .

« متافیزیک کنونی راه قلب ماهیت پدیده های تکامل را در پیش گرفته و تکامل را بمثابة افزایش و کاهش کمی و بمثابة تکرار آنچه قبلا وجود داشته می‌نمایاند بدون آن که در آن ، نوی پدید آمده باشد. (۱)

ادعای این که هر نوع دگرگونی مایه تکامل است، جز گزارف گونی، چیزی نیست يك رشته از تبدلات طبیعی ، ترکیب و تجزیه مواد شیمیائی است که يك فرد

۱- اصول فلسفه مارکسیسم ۹-۱۰

تضاد : نخستین اصل دیالکتیک

شیمیست با آن روبرو است، اگر ترکیب ، مایه تکامل است پس تجزیه را چگونه توجیه کنیم ؟، و اگر تجزیه مایه تکامل است، ترکیب را چگونه، حرکت تکاملی بخوانیم ؟

اگر دگرگونیهایی که در افراد انواعی رخ می‌دهد مثل این که انسان پیر میشود، جانوری می‌میرد، درخت پژمرده و فرسوده و سرانجام خشک می‌شود میتوان این حرکتهای نزولی را تکامل خواند.

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم ، مملو از حرکتهای میکائیکی و فیزیکی و حرکتهای دائره‌ای و دوره‌ای است پس با وجود این چگونه می‌توان حرکت يك ماشین و حرکت الکترون را، حرکت تکاملی نامید ؟

آیا تبدیل گاز مایع به جامد ، و بالعکس تکامل است ؟ این نوع عملیات و هر نوع حرکتهای یکنواخت، و حرکت های نوسانی را نمی‌توان از طریق صعود و تکامل توجیه نمود .

با این موارد روشن، چگونه انگلس می‌گوید: جهان بلا انقطاع در حال حرکت و تکامل است و هر نوع دگرگونی به جز گذاری انتها از مدارج پائین به بالا وجود ندارد؟

مارکسیسم در توجیه این نوع حرکت های نزولی دست و پای کرده و می‌گوید: « این سکون‌های نسبی در حرکت تکاملی طبیعت ضرورت دارد » .

لطفاً بقیه را در صفحه ۶۰ مطالعه فرمائید

و آن روز فرارسید...! و.. آن آرزو خام نبود!

اشاره:

سه سال پیش در اوج اختناق و خفقان هیتت تحریریه مجله مکتب اسلام در نهایت شجاعت طرح انقلاب فرهنگی را طی مقاله‌ای تحت عنوان «ژستهای بی مزه سرمایه‌داری غرب» مطرح ساخت که با عکس‌العمل شدید طاغوتیان مواجه گشت، اما هرگز از پای ننشست تا به امروز که... و اینک آقای احمد تقوایی خواننده محترم مکتب اسلام با الهام از مقاله مزبور که در شماره ۱۰ سال ۱۶ مجله چاپ شده بود طرح انقلاب فرهنگی را طی مقاله‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار داده که از نظر شما میگذرد. هیتت تحریریه»

بمناسبت انقلاب فرهنگی

داشتم مجموعه مجله «دوسهائی از مکتب اسلام» را مرور میکردم، که مقاله «ژستهای بی مزه، سرمایه‌داری غرب» از صفحه ۶۴۵ شماره ۱۰ سال ۱۶ این مجله وزین نظرم را جلب کرد ... بی اختیار بیاد گفتم «رادهاگ‌گريشان» افتادم که «نویسندگان قانون‌گذاران ناشناخته و تشویق نشده بشریت‌اند».

«... آیا روزی فرا خواهد رسید که با یک انقلاب فرهنگی، این زباله‌های فکری نظام جهان‌خوار سرمایه‌داری ماشینی‌را به زباله دانی بریزیم و جامعه‌ای مسلمان و پاک و نوع‌دوست

با ارزشهای انسانی بسازیم ؟!»
نقل از شماره ۱۰ سال ۱۶ مکتب اسلام ۱۳۵۴

خلاصه مقاله روی موضوع (دوستان سگ) (سگ پرستان) دور می‌زند که در کنار فکریهای بکر و اصیل ! تهیه کلکسیونهای تمبرهای دانه‌ای یک میلیون تومان و قوطی کبریتها و بیپ‌ها و چپ‌های گران قیمت و مسابقه برای انتخاب ملکه زیبایی ناف !

مدرسه عالی تربیت سگ ! هم افتتاح شده بود که سرمایه‌داری غربی، دیگر دوز و کلک لطفا ورق بزنید

انقلاب فرهنگی

آری از مهر ۵۴ نویسنده از اثر ژستهای بی‌مزه سرمایه داری مسخ شده غربی به‌عنوان بخش‌کننده بذر نفاق در دلها یاد میکند و وعده و نوید میدهد:

«... همان تخمهایی که وقتی بارور شد همچون گیاهان پیچیده به دور این درخت فرسوده سرمایه داری غربی پیچیده و آنرا در مدت کوتاهی خشک می‌کند...»

و می‌بینم که این زمان فرا رسید و از مهر ۵۴ تا بهمن ۵۷ مدت زیادی بود که آینده‌نگری نویسنده بواقعیت پیوست.

و تعلیمات عالیہ اسلام از نظر برنامه زندگی، مردم را به روال آن زندگی سوق می‌دهد که طرفدار زندگی ساده دور از تجمل پرستی و اسراف و تبذیر و بیهوده‌گرایی بشوند. و از وادی بیهوده‌گرایی بسوی مامن اقتصاد اسلام روی آورند.

آری... نویسندگان مجاهد مکتب اسلام... دیگر این مسأله که «آیا روزی فرا خواهد رسید که بایک انقلاب فرهنگی این زباله‌های فکری سرمایه داری ماشینی را به زباله دانی بریزیم و جامعه‌ای مسلمان و پاک و نوع دوست با ارزشهای انسانی بسازیم!»

برای امت ما آرزو نیست و انقلاب فرهنگی یا انقلاب در انقلاب برای تداوم انقلاب اسلامی بعنوان یک نهاد اصیل انقلاب شاهد آئیم.. که آخرین برآینده نگری شما!

ناتمام و نقشه انجام نشده‌ای را نداشته باشد. برای جامعه مسخ شده آنروز ماکه فرهنگ و هنر کذائیش، آنچنانی در ملاء عام در شهر پرورنده ملا صدرا (صدر المتألهین) و قیحهانه هنر نمائی جنسی میکردا.

اقتتاح مدرسه عالی تربیت سگ در تهران چندان حیرت انگیز نمی‌نمود و مهم هم نبود که کودک دبستان برای رفتن بمدرسه کفش و لباس نداشته باشد ولی برای کرم خوردگی دندان سگ تحصیل کرده! فلان ثروتمند لوس و دردانه، بلیط هواپیما و وقت ملاقات دامپزشک اروپائی رزرو شود:

آنچه نظر خواننده این مقاله را در این زمان جلب میکند، تهور و شجاعت بی نظیر گردانندگان مکتب اسلام است که در مهر ۱۳۵۴ یعنی در اوج خفقان و اختناق که بیشتر افراد با حرکت منفی و سیر قهقرائی هنر و فرهنگ، هنروائی و هم آهنگی میکردند و آب به آسیابها میریختند و با این ابتذال همکاری میکردند و پیش از رسیدن قوالها غربی به ایران، در حافظیه شیراز یا تخت جمشید حاضر بودند و کف میزدند و هورامی کشیدند، این مجله بخود جرات داده بود همزمان با اجرای همان برنامه‌های کذائی! بانگارش چنین عنوانی، بقول «آفتوان چخوف» اینطور بیدنه این پیل مست که هر دهانی را بو میکند، نیش بزند و سروگوش و ستون بدن او را بجنباند.

نوشتم که نویسندگان قانونگزاران شناخته نشده و تشویق نشده بشریت‌اند،

تأسیس مرکز و مجله و نشر و توزیع و تبلیغ
اخلاقی صورت خواهد پذیرفت.

خدا، اهی طبیعی) در تحت چه شرائط و درجه مسیری و بجهه طریقی می‌تواند سیر طبیعی خود را داشته باشد؟

تاکنون دانشمندان، باین مسأله پاسخ چندان روشن و قاطعی نداده‌اند و علم و دانش نیز نتوانسته است باصراحت تمام، مسیر و مدار اصلی آنرا روشن سازد و در برخی از موارد از طرف دانشمندان، اظهار نظرهایی شده است که غالباً با واقعیت سازگار نیست.

و لکن اسلام که خود را مکتب نجات بخش تمام پویندگان راه حقیقت می‌داند جواب روشن آنرا برای پیروان خود داده است.

ابو اسحاق همدانی نقل می‌کند که علی (ع) بعد از تعیین محمد پسر ابوبکر بعنوان حاکم و والی کشور مصر، نامه‌ای به وی نوشت و خط مشی کلی او را در قبال اداره کشور تحت حکومت خود، روشن ساخت و او را مأمور کرد که این دستور العمل را بر اهالی کشور مصر بخواند تا مردم از آن ← لطفاً ورق بزنید

آرمان هر انسان عاقلی در هر تلاشی و حتی آرزو و میل باطنی هر بشری بدون تلاش نیز، تحصیل نیکی و سعادت و خوشبختی است.

گو اینکه در برخی از موارد، اگر نگوئیم اکثر موارد، در تطبیق ایده و آرمان انسانی و طبیعی خویش، طریق انحراف و اشتباه می‌پساید و فساد را بجای فضیلت و عمل زشت و نابجا را بجای نیکوکاری و عمل بجا و مناسب، جا می‌زنند و در نتیجه از جاده مستقیم منحرف شده بسوی بدبختی کشانده می‌شود ولی در عین حال اگر از او از عاقبت کار و ماهیت عمل خویش پیرسی می‌گوید: دارم راه راست می‌روم و راهم درست و صحیح می‌باشد!

و بطور کلی سرعت آدمی بر اساس توجه به نیکی و فضیلت آفریده شده است و در این مسأله میان روانشناسان و فلاسفه و دانشمندان و محققان، اختلافی نیست و تقریباً برای همه واضح است. و لکن آنچه قابل دقت و تعمق است اینست که این (نیکی طلبی) و (نیکی-

آگاهی داشته باشند و در این نامه چنین فرمود:

« ای بندگان خدا آنچه که شما را بآمزش و رحمت خداوند بهنگام عمل بدستور او و بقبول نصیحت و اندرز بهنگام توبه وامی دارد همانا داشتن روح تقوا و پرهمیزکاری است زیرا تقوا مجمع تمام نیکی‌ها بوده و جز در سایه تقوا و در مدار آن هیچ نیکی، مصداق واقعی پیدا نمیکنند و از غیر طریق تقوا نمی‌توان به نیکی و فضیلت حقیقی در سطح گسترده رسید» (۱)

امام در این دستور خود استشهد بآیه قرآن کرده و فرمود:

« بکسانی که پرهیزکاری می‌کنند گفته شود، پروردگار تان چه نازل کرده است؟ خیری نازل کرده است کسانی که نیکوکاری کرده‌اند در این دنیا پاداش

تقوا، سرچشمه نیکی‌ها

نیک دارند و سرای دیگر بهتراست و سرای پرهیز-

کاران چه نیکو است؟...

از این رو در برخی از روایات می‌خوانیم که امام نعمت تقوا را با سایر نعمتها قیاس کرده آنرا برتر بلکه آنرا سر آمد سایر نعمتها می‌داند چنانکه امیر المؤمنین علی (ع) وصیت خود را بفرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید:

«... وان من النعمسة المال و افضل من ذلك، تقوى القلوب» یعنی ای پسر من از جمله نعمتها زبانی مال و زیادی ثروت است و برتر و بالاتر از آن تقوای دلهاست» (۲)

آری هیچ نعمتی نمی‌تواند با تقوا برابری کند زیرا تقوا سرچشمه همه آنها است و در سایه تقوا است که سایر نعمتهای دنیوی و اخروی ارزش واقعی خود را پیدا می‌کند و بی‌جهت نیست که ما روی آن اهتمام می‌ورزیم و آنرا اساس ترقی هر جامعه می‌یابیم. **تقوا و نشاط روح و توانمندی جان** قدرت انسان تنها باین نیست که زور بدنی داشته اعصاب و اعضاء مقاوم و قوی داشته باشد زیرا این، تنها مربوط به جسم و بدن و



۱- «... یا عباد الله ان اقرب ما یكون العبد الی المغفرة والرحمة حین یعمل بطاعته و ینصحه فی التوبة علیکم بتقوی الله فانها تجمع الخیر و لاخیر غیرها و یدرک بها من الخیر ما لا یدرک بغیرها من خیر دنیا و الاخرة قال الله عزوجل : و قیل للذین اتقوا ماذا انزل ربکم قالوا خیراً للذین احسنوا فی هذه الدنيا حسنة و لدار الاخرة خیر و لعنم دار المتقین (سورة نحل / ۳۰) (بعارج ۷۷/۳۸۶)

۲- بعارج ۷۷/۴۰۲

اعضای انسان می گردد که بهر حال مادی می باشد و اگر این قوت جسم ، پشتیبانی قوی روحی نداشته باشد که بدن را در مقابل آفات و بلاها و گرفتاریها حفظ کند بالاخره بدن با تمام نیروی جسمی حتی در دوران جوانی و زمان رشد بدنی، رو به ضعف می گذارد زیرا جسم و جان مطابق تحقیقات دانشمندان زیست شناس و روانشناسان محقق همواره در ارتباط مستقیم بایکدیگر بوده و هر پدیده - ای که تأثیر در جسم بگذارد و آنرا رشد دهد و یا ضعیف گرداند مستقیماً در روح، همان اثر را بجا می گذارد روح را قوی یا ضعیف می گرداند .

پس نتیجه این شد که قوت جسمی بدون قوت روح و روان ، اساس و پشتیبان قوی ندارد .

حال این سؤال پیش می آید که قوت روحی چیست؟ اسلام در این باره چه نظری دارد ؟

در پاسخ باید گفت که قدرت روح ، تنها با ارتباط مستقیم و دائم با منبع فیض و قدرت و کمال مطلق حاصل می شود و این نیز وقتی حاصل میشود که موانع آن بر طرف و اعمالی که در مابینت با آن قرار دارد عملی نگردد و این نیز منحصر بآفتقا و پرهیزکاری، پیدایش حالت روحی خودداری از گناه و فساد میسر می گردد .

و اگر بخواهیم این حقیقت را، در قالب مثال مجسم کنیم باید اینگونه بگوئیم که روح انسان بمنزله یک کارخانه مولد برق، منبع انرژی و قدرت می باشد و هر اندازه از

مصرف بی مورد برق بصورت های مختلف جلوگیری کنیم در حقیقت قدرت و دوام و کارائی آنرا بیشتر تضمین کرده ایم .

از اینرو می بینیم مردان پرهیزکار و اتعی در زندگانی خود با قوت و قدرت ، زندگی کرده ، و با مشکلات بسا جدیت مقابله می کنند حتی در بلاد کفر که ایمنی جانی ندارد و یا در میان دشمنان محصور بوده از هر طرف ، مورد عتاب و مخالفت هستند، روحیه خود را حفظ کرده گرایش بچپ و راست و شرق و غرب ندارند و راه مستقیم خود را ادامه می دهند و خود را رهزگز نمی بازند .

رسول اکرم (ص) فرمود :

« من اتقی الله عاشی قویاً و سار فی بلاد عدوه آمنه » (۳)

یعنی « کسی که پرهیزکار باشد، در زندگانی، قوی بوده و به بلاد کفر، بدون هراس مسافرت کرده از آنان نمی هراسد» .

آری بی جهت نیست که مردان آزاده و باتقوا در زیر شکنجه های طاقت فرسای رژیم طاغوت شاه مخلوع مقاومت شدید از خود نشان داده و هرگونه ضعف و هراس در آنان راه نداشت زیرا تقوا باعث قوت روحی شده بطوریکه اعضای بدن او را با ازه می برند و لکن، در مقابلشان ضعفی از

لطفاً ورق بزنید ←

تقوا، سر چشمه نیکی ها

خود نشان نمیدهد و با ندای الله اکبر ، بزرگی و عظمت و جلال روحی خویش را ، بروز داده حقاً بر چنین کسانی سزاوار است که نام آزادی و شجاعت و شهامت بر آنان اطلاق کرد.

تقوا و اخلاق انقلابی

بطور کلی این مسأله اساسی خصوصاً در مقطع خاص انقلاب ما، حداقل قابل بررسی است که اخلاق انقلابی یعنی مراعات يك سلسله از مسائل اخلاقی انسانی بدون اتکاب ارزشهای الهی و بدون ایدئولوژی صحیح و مکتب انسان ساز، آیا می تواند تحقق داشته باشد؟ و در صورت تحقق می تواند ادامه داشته و منحرف نگردد؟

چنانکه برخی از گروههای سیاسی چپ نما و سازمانهای منافق و التقاطی چنین ادعائی دارند .

و بعبارت روشن تر آیا ممکن است رهبرانی برای جوامع بشری (در اردوگاه های غرب و شرق) پیدا شوند که اصول انسانی و حقوق عادلانه را در روابط افراد جامعه خویش واقعا بخواهند عملی سازند و در عین حال معتقد به اصول انسانی و اخلاق و تقوای مناسب با عدالت نباشند؟

آیا این تناقض و تضاد بین عمل و عقیده قابل حل است و جهان سرمایه داری با نظام خاص تسلط زور و زور و یا جهان سوسیالیستی با ویژگی تسلط و دیکتاتوری پرولتاریائی خود، می تواند آزادی واقعی ملت های تحت تسلط و استقلال فکرو اندیشه و عمل آنان را تضمین کند؟

آری چه بسا ممکن است ظاهراً ملتی

تقوا، سرچشمه نیکی ها

در انتخاب نظامی آزاد باشند و لکن در زیر چتر تبلیغات و ایجاد جو خاصی که امپریالیست ها و سرمایه داران و سودجویان برپا کرده اند در دام آنان بیفتند و بهترین نمونه این دموکراسی قلابی، نظام سرمایه داری آمریکا است که سرمایه داران و صهیونیست های سودجو با کمال مهارت و استادی با لطایف الحیل ، جوی برای افکار عمومی مردم آمریکا ساخته و پرداخته اند و دام های خیلی ماهرانه تنیده اند بطوریکه در رسم ناآگاه آن کشوری بندارند که ذر کمال آزادی زندگی می کنند و رأی آزادانه دارند و در انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان کنگره و غیر آن آزادی کامل دارند در حالی که صهیونیست ها و دست اندر کاران سیاست و اقتصاد و تجارت و ... طوری تبلیغات رادیو و تلویزیون و مطبوعات در سراسر جامعه آمریکا از محیطهای کارگری گرفته تا محیط تجارت و اقتصاد و از پنتاگون گرفته تا کاخ سفید همه و همه را طوری تنظیم کرده اند که کمتر بمخپله آنان می گذرد که شاید از تحت تأثیر تبلیغات و القاءات شیطانی مسئولین قرار گرفته اند .

از اینرو می بینیم که مردم آمریکا از حقایق خارج از خبرگزاریهای کذائی خود کمتر اطلاع دارند و مثل اجریانات اخیر در ایران آشکارا ثابت کرد که مردم آمریکا از انقلاب اسلامی ایران چندان اطلاعات واقعی ندارند و تنها يك سلسله از مطالب دیکته شده سیا و مسئولین مغرض دولت آمریکا و خبرنگاران مزدور هر روز در مطبوعات و رادیو و تلویزیون آنها پخش می شود.

لطفاً بقیه را در صفحه ۶۳ مطالعه فرمائید

عوامل محرك تاريخ .

خون و نژاد،

همان عامل محیط زیست می باشد

آنان می توانند تمدن و فرهنگ دیگران را اقتباس کنند .

این نظریه شبیه نظریه ارسطو در باره ی بردگان است گویا وی معتقد بود نژاد سفید يك نژاد برتر و سازنده تمدن و فرهنگ است و نژادهای دیگر فاقد این استعداد و کمال می باشند تو گوئی طبیعت، آنان را برای همین کار ساخته است .

تو گوئی همان طور که طبیعت اسب و الاغ را تا حد مخصوص پیش برده است شایسته این است کوبه جای زندگی در کاخ ها ، در طولیلهها زندگی کنند، همچنین گروهی از انسان ها برای بردگی ساخته شده و باید بسان اسب و استروالاغ سواری بدهند و بی- کاری بکشند .

این نظریه افراطی در باره بردگان از يك نوع حس ناسیونالیستی سرچشمه میگردد و از هر نوع حقیقت عاری می باشد ، اصولا باید دید آنها ، لطفا در پی بنید

در حالیکه برخی خون و نژاد را عامل محرك تاريخ می شمارند محیط زیست و عوامل جغرافیائی را نیز عامل دیگری برای حرکت تاريخ میدانند ، در صورتی که عامل نخست از عوامل دوم سرچشمه میگردد .

نخست نظریه خون و نژاد آنگاه نظریه محیط زیست را تشریح میکنیم سپس به وحدت و یگانگی هر دو اشاره مینمائیم :

نظریه خون و نژاد را در تحریک چرخهای تاريخ دو جور می توان مطرح نمود :

۱- برخی از نژادها فرهنگ ساز و تمدن آفرین است، در حالی که برخی دیگر از نظر استعداد با حیوان قریب الاق می باشند همان طور که حیوان نمی تواند تمدن ساز و فرهنگ آفرین باشد همچنین نژادهای دیگر نیز نمی توانند تمدن فرهنگی پدید آورند تنها تفاوتی که با حیوان دارند این است که

فلسفه تاریخ

ناتوان است آنان فکرمی کردند ماده هر چه به اعتدال نزدیکتر باشد صورت‌های کامل پیدا می‌کند روح - های لطیف تر و قوی تر پدید می‌آورد.

گاهی می‌گفتند: معیظهای شمالی، شخصیت - خیز و استعداد پرور است در حالی که نقاط جنوبی فاقد چنین مایه‌های علمی و فکری است.

۲- صورت دیگر، این که مناطق را به سه دسته تقسیم می‌کردند و می‌گفتند: منطقه‌ای که

وسیله معیشت در آنجا نباشد، مردم آنجا به خاطر نبودن وسیله بهمان حالت ابتدائی باقی می‌مانند

و منطقه‌ای که در آن وسیله معیشت آماده و فراهم باشد مردم آنجا بخاطر فراهم بودن همه چیز هیچگاه

ترقی نمی‌کنند ولی مناطقی که میان این دو منطقه‌ها قرار گیرند، افراد این منطقه بیش از مناطق دیگر

رشد و نمومی کنند زیرا تکامل و پیشرفت تاریخ مرهون دو چیز است وجود مواد اولیه وسیعی و کوشش و این دو در چنین مناطقی تحقق پیدا می‌کند.

شرایط زندگی در منطقه هندوستان طور است که گرمی آمیخته با رطوبت است که یکنوع سستی

ورخوت در انسان ایجاد می‌کند، که انسان از فعالیت و کاربیزاری گردد و شاید اوضاع جغرافیائی

آنان است که در آداب و فلسفه آنان اثر گذارده که کمال نهائی انسان را در عدم مطلق و نیستی مطلق

جستجوی می‌کنند و کمال انسان را در یک امر منفی قرار داده‌اند.

اگر مارکسیسم می‌گوید اوضاع اقتصادی در فکر و فلسفه و آداب اثر می‌گذارد بدون شك آب و هوا و شرائط زندگی در این گونه از امور مؤثر است.

وقتی آب و هوا یکنوع، تأثیری در مزاج و بدن می‌گذارد، و بیزاری از کار می‌آفریند، کم کم روی

اخلاق و تفکر آنان نیز اثر خواهد گذارد، تا آنجا که کار نکردن یکی از وسائل تشخیص در میان هندوها

وراجه‌ها است و کار کردن مایه عار و ننگ.

عقب مانده هستند یا عقب نگاه داشته شده‌اند و میان این دو تفاوت زیاد است.

۲- صورت دیگر طرح این مسئله این است که بگوئیم اختلاف استعدادهای نژادهای انسان قابل

انکار نیست در حالی که همگی و یا غالب نژادها از استعدادهای بزرگی برخوردارند ولی از نظر درجه

با هم فرق دارند، هرگز نمی‌توان ایرانی و بربری را از نظر استعداد مساوی انگاشت هر چند تعیین درجه

استعداد میان نژادها کار مشکل و به مطالعه عمیق و بررسی‌های دقیق نیاز دارد ولی اجمالاً می‌توان گفت

که انسان‌های مختلف از نظر نژاد، از نظر استعداد نیز مختلف و گوناگون می‌باشند و اختلاف نژاد نیز

مربوط به محیط جغرافیائی است نه این که انسان سفید از آسانی بوجود آمده و انسان سیاه از آسانی دیگری.

نقش محیط‌های جغرافیائی

تأثیر محیط‌های جغرافیائی را دو جور می‌توان بیان کرد:

۱- مناطق روی زمین بر دو نوع است: مناطقی قهرمان آفرین و شخصیت پرور، در این مناطق،

نوع مردم از استعداد خاصی برخوردارند و خصلت‌های خاصی دارند که می‌تواند چرخ تاریخ را

به حرکت درآورد. در حالی که همگی و یا غالب آنها مستعد و متفکرند، گاهی در میان آنان متفکران خلاق پیدا

میشوند که قهرمان سیاسی، نظامی و یا قهرمانان علوم و صنایع شمرده می‌شوند و از طریق رهبری

و یا اختراع، قیافه تاریخ و جامعه را دگرگون می‌سازند، ولی قدرت همین نابغه، اعم از نابغه

رهبری یا نابغه علمی، از شیوه آب و هوا و تأثیر مناطق سرچشمه می‌گیرد.

در میان فلاسفه دیرینه مانند ابن خلدون این مسئله مسلم بود که منطقه‌ی معتدل، مزاج‌های معتدل می‌پروراند، در حالیکه منطقه‌های فوق العاده.

سرد و یا گرم از پروراندن چنین مزاج‌ها عاجز و

فلسفه تاریخ

در میان برخی از افراد، تغییراتی در آن آنها پیدا می‌شود که خود مایه دگرگونی در نسل‌های بعد می‌گردد، به گونه‌ای که نسل این موجود، از یک رشته برجستگی-های ظاهری و باطنی برخوردار می‌گردد. همچنانکه یک چنین انقلابی در حیوانات بوجود می‌آید مثلاً حیواناتی که از یک جفت بوجود می‌آیند، ناگهان برخی از آنها دارای امتیازاتی می‌گردند، و نسل آن به نسل خواهر و برادرهایش کاملاً متفاوت می‌باشد، مانند گوسفند «قره کل» که پشم آن امتیازات خاصی دارد.

ممکن است وجود نوابغ، و یا برتری برخی از نژادها مربوط باین نوع از تغییرات ناگهانی و درونی باشد. و در عین حال از تأثیر آب و هوا در اختلاف استعداد و نژاد، نباید در غالب موارد، غفلت کرد ...

* * *

در حالی که نویسندگان فلسفه تاریخ دین را یکی از عوامل محرک تاریخ، میدانند ولی در تفسیر تأثیر دین روی تاریخ دچار اشتباه شده‌اند، اینک برای روشن شدن این قسمت، تفسیرهای صحیح و غلط از تأثیر این عامل را در اینجا مطرح می‌کنیم.

تفسیر حرکت تاریخ از راه دین، دو مفهوم می‌تواند داشته باشد. یکی غلط و دیگری صحیح است.

تفسیر غلط اینست که اراده الهی را بدون ارتباط به کنش‌ها و واکنش‌ها موجود در جامعه انسانی، محرک تاریخ بدانیم و لفظ «بها» را در صفحه ۶۱ مطالعه فرمائید

بلکه این محیط و منطقه است که انسان‌ها را به صورت نژاد‌های گوناگون درمی‌آورد یکی را سفید، دیگری را سیاه، سومی را زرد و چهارمی را سرخ می‌کند.

تأثیر آب و هوا در نژاد آن چنان عجیب است که بسا، افرادی از نقطه‌ای به نقطه دیگر کوچ میکنند بدون آنکه با مردم آنجا ازدواج نمایند پس از مدتی، آثار منطقه در نسل آنان آشکار می‌گردد ساداتی که از منطقه حجاز به منطقه بربر کوچ کرده و سالهاست که در آنجا زندگی میکنند، دارای بینی‌های خاص و چشم‌های مورب کم‌ریس و کوسه هستند و این جز تأثیر منطقه و عوامل محیط جغرافیائی چیزی نیست.

اکنون که سخن به اینجا منتهی شد، لازم است قدری درباره تأثیر عوامل جغرافیائی در اختلاف نژاد و اختلاف استعداد سخن بگوئیم.

آری ممکن است روح کار نکردن و بی‌زاری از کار، علل دیگری نیز داشته باشد که حتی در مناطق مخالف با اوضاع جغرافیائی هندوستان، چنین آداب و رسوم پیدا شود.

* * *

با این که میتوان وجود استعداد‌های قوی و نیرومند را مربوط به اوضاع جغرافیائی دانست و از آن طریق توجیه کرد ولی در این جا، جای احتمال دیگری باقی است و آن این که: چه بسا ممکن است نژاد، به صورت عامل جداگانه‌ای از عوامل گردش تاریخ باشد، زیرا گاهی به عللی نامعلوم

مشکلات دانشجویان مسلمان در ایتالیا

توجه مقامات مسئول را به مطالعه این نامه جلب میکنیم

نامه‌ای از ایتالیا - پروجا

محمود محمدی: عضو انجمن اسلامی
دانشجویان پروجا

ملت شریف ایران، پدرها - مادرها -
خانواده‌های محترم ایرانی با عرض سلام:
متأسفانه باید بگویم که طی این یک
سال، تعداد زیادی (قریب به ۸ هزار نفر)
از جوانان غیور و دلیر کشورمان جهت
تحصیل به این کشور روی آورده‌اند.

از اینکه جوانان ما میل به درس و
تحصیل و علم پیدا کرده‌اند، باعث خوشوقتی
است، ولی دچار مشکلات فراوان گشته‌ایم
که باید آنها را بدانید:

بر اثر آن که این همه ایرانی بدین کشور
آمده اگر در قبال ما مجبور بودیم که با
ایتالیاییها صحبت کنیم و پیرامون مسائلی
در جهت تحصیل در دانشکده‌های
کشورمان درد دل کنیم اما اکنون آنان
می‌گویند بعد از انقلاب بحران کشورتان
چندان اوج گرفته که دبستانها و دبیرستان-
های کشورتان نیز از عهده اداره امور و
آموزش و پرورش خارج است، و ما بادلی
آکنده از درد و اندوه و شرم و حیا باید

توضیح دهیم که چنین نیست. بلکه در راه
بهبود این امر اقدامی بعمل آمده است لکن
آنها باورشان نمیشود.

برای آنکه جوانان عزیز ما با این که
دیپلمه هستند و دارای سنی هستند که باید
در مدارس عالی و دانشکده‌ها تحصیل کنند
و از آنجائی که ورود به دانشگاهها، به
این سادگی که ما فکر میکنیم، نیست که
هر کس از راه رسید او را بپذیرند بلکه شرایطی
دارد.

و از جهتی دیگر، امسال و بخصوص
امسال، شرایط را سخت‌تر و سنگین‌تر
نموده‌اند، پس جوانان ما برای آن که به
اصطلاح دستی را جایی بند کنند بمدارس
و دبیرستانهای اینجاروی آورده‌اند.

و با آن سن و شخصیتی که دارند، باید
کنار نوجوانان سیزده - چهارده ساله
بنشینند، باید مثل بچه محصل‌ها به حرف
معلم و دبیر گوش دهند، و اگر احیاناً روزی
غایب شدند باید جواب اولیای مدارس
را بدهند.

آیا بنظر شما این ننگی برای

کشورمان، برای انقلاب اسلامیان
فیست !

وزارت امور خارجه ایتالیا اعلام کرد که برای ورود به دانشگاههای این کشور باید امتحان زبان بدهند و کسانیکه تا قبل از تاریخ ۸ اکتبر به این کشور آمده و در دانشکده زبان شهر «پروجا» ثبت نام کرده اند، حق دادن این امتحان را دارند تا سال آینده بتوانند پس از قبولی امتحان زبان، در دانشگاه مورد علاقه خود ثبت نام کنند.

با این وصف، تعداد کثیری از عزیزانمان که بعد از ۸ اکتبر آمده اند بلا تکلیف میمانند و حتی آنهایی که قبل از این تاریخ آمده اند و در دانشکده زبان مزبور، اسم نویسی نموده، و مثلاً پیش یکی از اقوام خود زبان یاد گرفته اند و یا در مؤسسات آموزشی در مناطق و شهرهای دیگر این کشور با رنج و مشقت و خرج زیاد، زبان یاد گرفته اند آنان هم از این امتحان زبان محروم اند.

البته در این زمینه کنسولگری جمهوری اسلامی ایران تلاش میکند که با مقامات وزارت امور خارجه تماس بگیرد و این مسئله را حل کند ولی چیزی که حائز اهمیت است اینست که در سایر شهرهای ایتالیا پلیس به جوانان ما اجازه اقامت نمی دهد و به این دسته از دانش جویمان که امسال به این کشور آمده اند، میگویند که باید بروند در شهر «پروجا» و آنجا زبان بخوانند.

لطف پلیس شهر «پروجا» به آنان اجازه



مشکلات دانشجویان مسلمان در ایتالیا

اقامت میدهند.

از طرفی این شهر که کوچک است با هجوم این همه ایرانی باضافه خارجیان دیگر از نظر مسکن، قدرت پذیرش کسی را ندارد.

از نظر ثبت نام هفته ها و یا روزها جوانان ما باید صفهای طولانی را بگذرانند تا نوبتشان شود و ثبت نام نمایند و علاوه باید صف های دراز و طویل را تحمل کنند و مقابل درب اداره پلیس بایستند تا اجازه اقامت گیرند، باضافه این که اگر شهریه ماهانه در گذشته ۱۵۰ تومان بود، اکنون برای غارت و ثروت مردم داغ دیده ورنج کشیده ما، از ۵۰۰ تومان تجاوز کرده و اجاره منازل نیز بطور سرسام آوری بالا رفته است.

از طرفی تعداد زیادی نیز از جوانان ما در شهرهای ایتالیا سرگردانند و به قول معروف نه راه پیش دارند و نه راه پس.

آیا حیرت آور نیست، در زمانی که کشورمان احتیاج به نیروی انسانی و مالی دارد این همه ثروت مملکت و نیروی انسانی بی جهت تلف میشود، برخیها شاید خیال کنند که در خارج حلوا خیر میکنند.

من هنوز از هرزه گریها و ایجاد دستجات مختلف سیاسی که هر کدام با هم اختلاف و دشمنی دارند و جوانان عزیز و پاک ما را فریب داده و بجان هم انداخته اند و از قوه ایمان و ولاداری آنان نسبت به انقلاب اسلامی ایران کاسته شده است، هنوز حرفی نزنده ام و تعجب می کنم که وقتی جوانی با تلفن با پدرش صحبت میکند و

لطف پلیس بزرگ

میگوید که می خواهد برگردد ایران و آن-

جا تحصیل کند، پدر به او میگوید نه،

بهر قیمتی که شده **آنجا بمان و دستت**

را جایی بند کن ، مبادا برگردی،

مبادا آبروی ما را ببری !!

عجب ، شما فکر نمی کنید که آبرو با

چنین چیزها نمیرود و سرشکستگی ایجاد

نمیشود ، بلکه موجب سربلندی و افتخار

است اگر روزی رسد که جوان عزیز شما به

این حد رسیده که دیگر ، خارج از کشور

از روی چشم همچشمی و تقلید ، نه تنها

نفعی ندارد بلکه باعث ضرر هائی نیز هست که

ببرخی اشاره میشود:

۱- خروج بیش از اندازه ارز کشور

در این موقعیت حساس و شرایط اقتصادی

زمان ما.

۲- تلف نمودن وقت زیاد و هدر رفتن

جوانی .

مشکلات دانشجویان مسلمان در ایالتیبا

۳- کمبود نیروی انسانی در داخل

کشور.

۴- تأثیر بد در افکار عمومی اروپائیان

و خارجیان پیرامون مسائل انقلاب اسلامی

ایران، و ره آوردهای آن بدینجهت که فکر

می کنند که نه تنها نفعی نداشته است بلکه

به ضرر کشور نیز بوده و کشور ما را عقب

سوق داده است ، چونکه جوانان ما اگر

در گذشته در ایران دیپلم متوسطه را

میکرفته اند اکنون در خارج برای گرفتن

همان مدرک سرگردان هستند .

۵- در دام گروهی دشمن ضد انقلاب

افتادن و ایمان و پاکی را از دست دادن و

بسادگی فریب خوردن و بجان برادران

دیگرافتادن و خلاصه درگیری های بیجا

و بی مورد ، که باز تأثیر زشت در افکار

عمومی نهادن چرا که آنان می گویند که

لظا بقیه را که صفحه ۶۲ مطالعه فرمائید



عکس گوشه ای از نماز جماعت دانش-جویان مسلمان ایرانی است که به علت نداشتن مسجد در چمنی، فریضه مذهبی خود را انجام میدهند.



اخبار جهان اسلام

خواسته‌های مسلمانان یوگسلاوی

مسلمانان یوگسلاوی و یک نهضت جدید

مسلمانان شهر «سراژوو» در یک کنفرانس اظهار داشت: تا چندی پیش مسلمانان یوگسلاوی به عنوان نمایندگان یک جامعه مذهبی درخور احترام و بردبار بشمار می‌رفتند. اینک امکان زیادی دارد مسلمانان یوگسلاوی ناسیونالیسم جدیدی را در شرایط رسمی آن عرضه کنند.

شخص مارشال تیتو که همواره برای حفظ برادری اقلیت‌های نژادی و مذهبی می‌کوشید در صورت لزوم با کاربرد رویه شدید در برابر خرابکاران مذهبی که قصد دارند تمایلات وحدت اسلامی را از نو زنده کرده و هماهنگی کشور را برهم زنند، موافقت کرده بود علاوه بر این یوزپ اسپاهییک مفتی بگگراد بر اثر ابراز عقاید اسلامی خود مورد انتقاد شدید قرار گرفته است، وی در مراسم کشایش یک مسجد جدید، عقایدی را بازگو کرد که از طرف مقامات یوگسلاوی غیر قابل قبول و مخالف با اصل وحدت و برادری مردم یوگسلاوی اعلام گردید.

در یوگسلاوی این گونه انتقادات جرایدهشدار بزرگی به افراد است. در ۱۹۷۰ که بحران سیاسی در «کروس» بوجود آمد، جراید به مخالفان دولت هشدار دادند، لکن چون این هشدار مؤثر نبود، رهبران جمهوری خودمختار کروس سرانجام سرنگون شدند.

(تلخیص از مطبوعات صبح تهران)

توطئه صهیونیسم برای جلوگیری

از ساختن مسجد در رم

* رم مسجد ندارد و قرار بود مسجدی برای

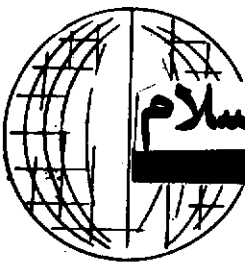
اطلا ورق بزرگ

بیشترین اقلیت مسلمان قاره اروپا در یوگسلاوی زندگی می‌کنند. در حدود سه میلیون مسلمان اسلاو زبان ساکن بوسینیا مسلمانان از نژاد آلبانی یا ترک، ساکن کوسفو یا مقدونیه هستند.

تحولات اسلامی اخیر ایران، به گونه اجتناب ناپذیری سبب گردید که دولت یوگسلاوی تحولات سیاسی اقلیت مسلمان نشین خود را با دقت بیشتری تحت کنترل در آورد. رهبران یوگسلاوی ادعا می‌کنند که این کشور نمونه یک هماهنگی حکومت‌های محلی با اقلیت‌های ملی و مذهبی گوناگون (تعداد زیادی مسیحیان پیرو کلیسای خاوری و کاتولیک) است که بطور مسالمت آمیز با یکدیگر زندگی می‌کنند.

مسلمانان یوگسلاوی در مناطقی زندگی میکنند که از لحاظ اقتصادی و جغرافیائی پراکنده است و این موضوع یکی از شکایات مسلمانان را تشکیل می‌دهد. مسلمانان یوگسلاوی می‌گویند: «سخن‌های رهبران حزب یوگسلاوی، به منظور نظارت بیشتر بر اقلیت‌های مذهبی و خاموش کردن صدای مخالفان است نه دادن آزادی‌های بیشتر. این رویه با اصل هماهنگی اقلیت‌های یوگسلاوی سازگاری ندارد.»

هر چند هرزیدنت تیتو عقیده داشت که مردم ایران برای برگزیدن حکومت اسلامی از حق قانونی خود استفاده کرده‌اند لکن وی تا گسترش اندیشه اسلام انقلابی در یوگسلاوی موافق نبود. چند هفته پیش دکتر «فواد موهیک» سخنگوی



مسجد گفت :

« کوته زمانی پس از آنکه کمیته انقلابی و شورای شهرداری رم موافقت خود را با اجرای طرح ساختمان مسجد اعلام نمودند ، اشکال تراشی ها آغاز شد . گروه های صاحب نفوذ فراوان نظیر انجمن های فرهنگی و محیط زیست و کمیته های مردم نسبت به ساختن مسجد اعتراض کردند .

« جراید نیز با سرو صدای زیاد ندای مخالفان را منعکس نمودند برخی از صهیونیست های معروف ایتالیا در بین مخالفان ساختمان مسجد بودند . »

« در این ضمن آندرتوتی نخست وزیر ایتالیا به همه سفیران اسلامی مقیم رم يك مدال نقره كه تصویر مسجد و مرکز اسلامی رم بر روی آن حك شده بود هدیه كرد دیوان كیفر رم كه می بایست نظر موافق خود را در این زمینه در نوامبر اعلام كند ، با كمال تعجب ، گرفتن تصمیم را به سه ماه بعد عقب انداخت و دلایل صرفاً دولتی را برای این اقدام بر شمرد .

موضوع حیرت آور این بود كه درخواست به عقب انداختن اجرای طرح مسجد از سوی دقتر حقوقی دولتی كه نمایندگی شهرداری رم را عهده دار است ، مطرح گردید ، وزارت خدمات ملی ، سازمان دولتی باستانشناسی و مقامات استانی رم كه قبلاً از طرح مسجد جانبداری می كردند ، زیر فشار و ترغیب صهیونیست ها تصمیم خود را تغییر دادند . در شرایطی كه برخی از دولت های عرب روابط با ایتالیا را گسترش می دادند ، رویداد مسجد رم چگونه می توانست به وقوع پیوندد ؟

آیا اتفاقی بود كه طرح ساختمان مسجد با اشكال روبرو گردید ؟ شایعاتی بر سر زبانها بود كه امکان دارد بر اثر فعالیت دو مركز فرهنگی و منمبی (ظاهر آ منظور مراکز یهودی و مسیحی است مترجم) روابط

آن ساخته شود و مرکز اسلامی در کنار آن ، اما صهیونیست ها مانع شدند .

ماجرای مسجد مسلمانان در رم

در چند هفته اخیر روابط اعراب و ایتالیا بر سر دو موضوع روبه تیرگی نهاده است . مقامات عربی و ناظران سیاسی معتقدند بك سازمان كلاً متشكل صهیونیستی برای مسموم كردن روابط ایتالیا و کشورهای عربی تلاش می كند .

برای تیره كردن روابط اعراب و ایتالیا مشكلی در مورد طرح ساختمان دو مسجد و مركز اسلامی در رم و صبلان بوجود آمده است (ایتالیا تنها كشور اروپای غربی است كه در آنجا مسجد وجود ندارد) این مشكل همه دولت های عربی و بسیاری از دول اسلامی را در گیر مسأله كرده است .

اندیشه ساختن يك مسجد در رم ، هنگام سفر یکی از سران کشورهای اسلامی به ایتالیا ابراز شدوی در مدت اقامت در این كشور گلایه كرد كه در سراسر ایتالیا مسلمانان هیچ معلی برای برگزاری نماز ندارند .

(تعداد مهاجران مراكشی مسلمان به ایتالیا در سال ۱۹۷۸ به پانصد هزار نفر رسیده است .)

چهار سال پیش از میان طرح های گوناگونی كه برای ساختن مسجد پیشنهاد شده بود ، يك طرح انتخاب گردید شهرداری رم نیز قطعه زمين باهري را كه در اطراف پارك بزرگ شهر قرار دارد به کمیته اسلامی مسؤل ساختمان مسجد هدیه كرد

كار شكنی صهیونیسم در كار ساختن مسجد .

پروفسور « پائولو پورتوگي » عرضه كننده طرح مسجد مسلمانان رم یکی از برجسته ترین معماران ایتالیا بشمار میرود وی كه مسؤلیت دو مین جشنواره معماری دونیز را به عهده دارد ، در زمینه ساختمان



ایتالیادول عربی دستخوش مغاطره شود. سفیر یکی از کشورهای اسلامی اعلام کرد. «کنار گذاردن طرح ساختن مسجد رم ضربه سختی بر دیگر مسلمانان ایتالیا وارد کرده است.

(تلخیص از مطبوعات صبح تهران)

مبارزات سرسختانه سادات برای سرکوبی اسلامی‌ها

* قدرت روزافزون گروه‌های اسلامی در کالج‌ها، دانشکده‌ها، نهادهای آموزشی و مدارس، رئیس جمهوری مصر را آداشته است تا قدم‌های مؤثری را برای خرد کردن گیاهان در حال رشد رستاخیز اسلامی بردارد.

آنچه یک «کمیته ملی» بریاست «حسن‌التهامی» معاون نخست‌وزیر مصر، به پرزیدنت «سادات» گزارش داده بود، اکنون دارد برای یک مبارزه متقابل با رشد روز افزون جنبش اسلامی در مصر، اجرا می‌شود. درست پس از ارائه پیشنهادی هفت‌ماده‌یی، حکومت مصر، پیشنهادها را بسیار جدی گرفت و اجرای آنها را آغاز کرد. برای این کار، حکومت، پاره‌یی از دانشجویان را آماده کرد تا علیه به اصطلاح «جنبش محافظه کارانه» اقدام کند و حکومت تقاضای تفسیر آزادانه‌تر سنت‌های اسلامی را نیز کرد در ضمن به اصطلاح «رهبران مذهبی میانه‌رو» و روشنفکران برجسته، به تصویب حکومت، مبارزه‌یی را برای «لیبرالی کردن» تعلیمات اسلامی به ندوی که «نیازهای جامعه امروزی مصر را برآورد» آغاز کردند.

علاوه بر آن و شاید حتی مهم‌تر، انتشار اخیر

جریان مداومی از مقالات بوده است که در آنها «آزادسازی» در اسلام، درخواست شده است شماره دسامبر ۱۹۷۹ ماهنامه «النهال» تقریباً به نحو کامل، به «اسلام و امروزی کردن» اختصاص داده شده بود. درده مقاله اساسی در این مجله بدون استثنا، علیه مبانی اسلامی موضع گرفته شده بود و در مقالات درخواست شده بود که قانون و سنت اسلامی در چارچوب معاصر تفسیر شود

رستاخیز اسلامی

گروه‌های اسلامی در کالج‌ها، دانشکده‌ها، نهادهای آموزشی و مدارس وجود دارند که قدرت روزافزون آنها، شکیبایی و تلاش‌های مداوم مددکاران آنان، وحدت و ارتباط شخصی آنها با یک دیگر، توانایی شان برای نفوذ در افراد تحصیل کرده و تلاش‌هایشان برای رسیدن به مردم، در حقیقت پرزیدنت «سادات» را آوار کرده است تا قدم‌های مؤثری را برای خرد کردن گیاهان در حال رشد رستاخیز اسلامی بردارد. گروه‌های اسلامی در نهادهای آموزشی، زیر پرچم‌های «انصار السنه»، «شهاد محمد»، «حزب آزادی بخش اسلامی» و... کار می‌کنند. جنبش‌های جوانان اسلامی، از پیروزی اخیر گروه‌های اسلامی در انتخابات اتحادیه‌های دانشجویان دانشگاه‌های سراسر مصر، ناامید شده‌اند آنها که از این پیروزی بی‌مناک‌اند، می‌خواهند عموم جوانان را با برنامه‌های موسیقی و فیلم، مسخ کنند.

حکومت مصر، از آگاهی اسلامی‌یی که روز به روز در میان جوانان و دانشجویان افزایش می‌یابد،

لغات و روی بزمه



اخبار جهان اسلام

خشمگین است .

«سادات» اعتراض خود به رستاخیز اسلامی را پنهان نکرده است . او اغلب به دانشجویان و دیگر محافل مذهبی هشدار داده است که مذهب خود را با سیاست‌ها مخلوط نکنند !

ومی خواهند از این راه ، بهره برداریهای سیاسی بکنند .

اینها دلیل تازه‌ای بر این حقیقت است که موج **بازگشت به اسلام** ، از هنگام انعقاد پیمان صلح میان مصر و اسرائیل گسترش یافته است . سادات مدتی پیش دست به یک سلسله اقدامات نمایشی مذهبی مانند تصویب قانون مجازات قتل مرتد زده است تا از خطر این موج در آمان بماند ، ولی تاکنون اقدامات او بی ثمر مانده است .

(مجله الرائد شماره ۴۳)

حکومت مصر همه نیروی خود را برای اقدام متقابل در برابر جنبش‌های اسلامی ، مصرف می کند اما یک استاد دانشگاه قاهره به طور خلاصه ، عمق ریشه جنبش‌های اسلامی را بازگو کرده است : او می گوید : «شما ممکن است دستور تحریم اجلاس گروه‌های اسلامی را بدهید و سخت مراقب آنها باشید ، اما نمی‌توانید آنها را از رفتن به مساجد باز دارید . آنها در آنجا گردهم می‌آیند و در نماز جماعت شرکت می‌کنند و اجتماعی تشکیل می‌دهند و وقتی از مساجد بیرون می‌آیند ، اعتقاد و ایمان آنها به اسلام ، تحریک می‌شود .»

بزرگداشت هزارمین سال زندگی

ابن سینا

از طرف سازمان یونسکو (سازمان تریبیتی و فرهنگی وابسته به سازمان ملل متحد) سال جاری

به بزرگداشت هزارمین سال زندگی طیب و فیلسوف نامدار اسلامی و ایرانی **ابوعلی سینا** اختصاص یافته است .

مدارس در مصر نیز ، از آگاهی اسلامی مبعون نمانده است . موج رستاخیز اسلامی به آنجا نیز رسیده و بردانش آموزان هم تأثیر گذارده است تلخیص از مطبوعات اسلامی

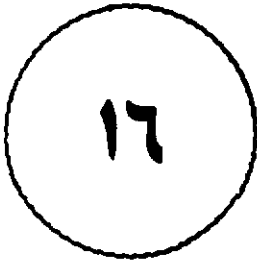
سازمان یونسکو از اعضای این سازمان خواسته است که به این مناسبت ، سمینارها و اجتماعاتی تشکیل داده سهم این دانشمند بزرگ اسلامی را در تکامل فلسفه ، منطق ، جامعه شناسی ، علوم طبیعی و علم طب نشان دهند .

کنترل مساجد مصر از طرف حکومت سادات

یونسکو ، بر تأثیر ابن سینا در پیشرفت علم در سراسر جهان تأکید کرده است . ابن سینا تألیفات ارزنده فراوانی دارد که از آن جمله کتاب «قانون» در علم پزشکی است .

اخیراً دکتر عبدالمنعم السنر وزیر امور دینی مصر ، قلمرو کنترل این وزارتخانه را از ۶۰۰۰ مسجده ۴۶ هزار مسجد توسعه داده است او انگیزه این اقدام را وجود پاره‌ای نیروهای شبه‌دینی! در بعضی از مساجد معرفی می‌کند و می‌گوید : «این نیروها ، قرآن را توأم با روح تعصب اتفسیر میکنند

(اخبار العالم الاسلامی شماره ۶۶۷)



نظری به
قوانین
جزایی اسلام



علی اکبر حسنی

حد «می» گساری!

«چرا اسلام با هر نوع مفاسد اجتماعی و اخلاقی مبارزه می کند؟!»

«اسلام نخست سرچشمه های فساد را می خشکاند و در مبارزه»

«نخست سراغ علت ها میرود و سپس به معلول می پردازد.»

«لوید جرج» رئیس-
الوزراء زمان جنگ اول
انگلستان خطاب به ملت
گفت: ما امروز دشمن
بزرگ داریم. الکل و
آلمان. وحشتناکتر آنکه
مردم اولی را دوست خود
میدانند و بآن پناه میبرند
بسان گوسفندی که بگرگ
پناه میبرد.

«هوانکاره» رئیس جمهور
فرانسه در ۱۹۱۳-۱۹۱۸
جنگ بین المللی اول
شکست فرانسه را از الکل
دانست و گفت: دشمن ما
آلمان نیست بلکه شراب
والکل است.

لطفا ورق بزنید

زیان های خانمانوز به زبان
آمار
درباره مشروبات الکلی و مست کننده
و زیانهای آن، کتابها، مقالات تحقیقی
زیادی نوشتند، آمارها و پوسترهای آموزنده
منتشر ساختند، کنفرانسها و سمینارهای ملی
و بین المللی تشکیل شده و میشود و حتی در
کنگره عظیمی که چند سال پیش، پزشکان
سراسر جهان گرد آمده بودند، بجهانیان
اعلام کرده و هشدار دادند که «الکل دشمن
شماره یک بشر است».

آمارهای سرسام آور و جنایت و فساد و
قتل و کشتار، غارت و تجاوزات ناموسی و
تصادفات خونین، همگی حکایت از آن دارد
که سرچشمه آنها این مایه شرساز و ام-
المفاسد میباشد. که ما فقط بگوشه ای از
آن اشاره میکنیم.

ای فرزندان فرانسه پیش از آنکه با آلمان بجنگید به نبرد با الکل برخیزید زیرا خسارت مالی و جانی که از سال ۱۸۷۰ تا کنون از الکل متوجه فرانسه شده است، بر مراتب بیشتر از خسارات ناشی از جنگ با آلمان است! (۱)

در آلمان

در یک سال ۱۵۰۰۰۰ هزار نفر از مجرمین که در اثر استعمال الکل دست به جرم زده بودند، محاکمه شدند و بیش از چهل و سه هزار حکم قطعی در باره زنانی که جرمشان ناشی از مصرف الکل بوده است، صادر شد.

در شوروی

الکلیسم بزرگترین مشکل اجتماعی شوروی است:

رئیس پلیس راهنمایی مسکو می گوید: هر ساله عده زیادی از مردم این کشور در اثر افراط در مشروب خواری جان خود را از دست میدهند و به بیماری عصبی شدید و حاد دچار می شوند و حوادث ناگواری به بار می آورند (۲)

در آمریکا

دولت آمریکا در چند سال پیش که هنوز میزان شیوع میگساری بعد امروزی هم

- ۱- بررسی فرآورده های الکی ص ۱۵۴
 - ۲- مجله فردوسی شماره ۱۰۷۶
- از مجله طبی انگلستان

خدمت «کساری»!

نرسیده بود، اعلام کرد از سال ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۰ ظرف ده سال ۱۸ میلیارد دلار صرف مشروبات الکی شده و الکل ۱۵۰ هزار نفر مجرم را بزندان افکنده ۱۵۰۰ نفر را کشته است و دو هزار نفر را وادار به خودکشی کرده است. دو یست هزار زن را بی شوهر ساخته و یک میلیون طفل را یتیم نموده است. طبق نوشته مجله EL. Bais طی بررسی مشکلات بیماری های طبی و روانی و سایر مشکلات ناشی از الکل می نویسد: دولت آمریکا ۴۳ هزار میلیون دلار برای بیماری های ناشی از الکل خرج میکند (۳)

و نیز ۹۰٪ جنایات و ۶۲٪ تصادفات آمریکا در اثر مستی صورت میگیرد. (۳)

در ونزوئلا

۳۶٪ تا ۶۰٪ مرگ و میر در ونزوئلا در اثر الکل بوده است و آنرا پنجمین عامل مرگ در این کشور بشمار می آورند و نیز ۳۰٪ بیماران وزارت بهداشتی و بیمارستان های «شیلی» را بیماران الکی تشکیل میدهند (۴)

در فرانسه

دانشمندی بنام Heuger در یک سخن رانی بمناسبت تأسیس مجله علوم سال (۱۹۶۵) آماری از جرائم ناشی از الکلیم در فرانسه، چنین بیان کرد: ۲۰٪ جرائم سرقت ۳۰٪ جرائم ضد اخلاقی عمومی ۶۰٪ از قتل های عمدی، ۸۰٪ از آتش-

سوزی های عمدی ۲۰٪ از سوء قصد ها
 ۷۵٪ از نزاعهای توأم با ضرب و جرح ،
 ناشی از الکل و در حالت مستی بوده
 است (۵)

زیانهای اخلاقی و اقتصادی آن چنان
 زیاد است که قابل جبران نمیباشد.

در انگلستان

یک شخصیت عالیترتبه انگلیسی در چند
 سال پیش ، طی برنامه رادیویی ، فاش
 ساخت که ورشکستگی اقتصادی ونیز بحران
 اقتصادی فعلی ما، معلول مشروبخواری
 و معلول نارسائی فکری مدیران ورؤسای
 الکیلی شرکتهای اقتصادی بوده است.

درسال ۲۵۰ میلیون (لیبریا دلار) تنها
 از طریق غیبت کارگران و کارمندان در اثر
 مستی ، زیان بدولت میرسد ۴ میلیارد
 تومان صرف مشروبات الکیلی میگردد (۶)
 در دو سال اخیر مردم آمریکا ۲ برابر پولی
 که برای مؤسسات فرهنگی خرج میشود،
 صرف مشروبات الکیلی کرده اند. (۶)
 خسارت ناشی از تضادات در اثر مستی
 ۴ میلیارد ریال بوده است... (۷)

در سال ۱۹۶۱ بیست و پنج هزار کودک
 ناقص الخلقه در آمریکا متولد شده و اخیراً
 بیش از ۲۶۰۰۰ هزار کودک ناقص الخلقه
 از مادران الکیلی در آلمان متولد شده
 است .

- ۳-۴- مجله «الرائد» چاپ
 آلمان شماره ۳۶ مارس ۱۹۷۹
- از البایس شماره ۱۰ سال ۱۹۷۹ .
- مجله داروپزشکی
- ۵- الکلیم و مراحل آن ص ۴۸
- ۶- نشریه سمبوزیوم الکل ص ۶۶

خدمت کساری!

تحقیقات پزشکی نشان میدهد که هشتاد
 در صد بچه های ناقص الخلقه محصول
 شب های ژانویه بوده است که مسیحیان
 معمولاً در این شب بی حساب مشروب
 مینوشند (۸)

فساد و زیانهای ناشی از الکلیم و
 عوارض خطرناک روحی و جسمی ، فردی و
 اجتماعی ، اخلاقی و معنوی این مایه
 خطرناک، بر کسی پوشیده نیست. گوشه ای
 از آنها را از زبان آمارشنیدید و اگر آمار
 تهیه شده از همه کشورها بیان گردد ،
**« مثنوی هفتاد من کاغد خواهد
 شد » !!**

پس اگر آن را سرچشمه مفاسد اخلاقی
 و اجتماعی و شیطان بطری وام المناسد و
 امراض نامیده اند گزاف و مبالغه نبوده
 است بلکه یک حقیقت عینی است که تجربیات
 و تحقیقات علمی و طبی ... آنرا به ثبوت
 رسانده است!

جالب تر از بیان بیشوای راستین شیعه
 امام صادق (ع) نمی توان برای آن بیان
 نمود: آن حضرت در حدود ۱۴ قرن پیش
 فرمود: (۹)

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلشَّرَاقِلِآ وَجَعَلَ مَفَاتِيحَهَا
 الشَّرَاب» کلید همه مفاسد و آلودگیها
 و دروازه ورود بسرچشمه پلیدیها و
 انحرافها شراب است (۹)
 بنابراین بسیار روشن است که چرا
 اسلام با آن مبارزه می کند و آنرا حرام و ممنوع
 می شمارد . و از تولید و فروش و توزیع و

- ۷-۶- اطلاعات بهمن ماه ۱۳۵۰
- ۸- به کتاب سمبوزیوم الکل ص ۲۸ ،
 بررسی فرآورده های الکیلی دکتر اردوبادی
 و بهداشت دکتر محمود نجم آبادی مراجعه شود.
- ۹- وسایل الشیعه ج ۱۷ ص ۲۵۱

لطفاً درون بنید

مصرف آن بهر نحو، شدیداً جلوگیری میکند
و مجازات تقریباً سختی برای آن قائل شده
است. جائی که رجال دلسوز و مصلحان
ملل و حتی زمامداران کشورها، اخیراً بنکر
مبارزه اساسی با آن افتاده اند، چیزی که
اسلام قرن‌ها پیش آنرا شروع کرد و صحیح
و باموفقیت به پایان رسانیده است.

مفضل از امام صادق (ع) پرسید که چرا
خداوند شراب را حرام کرده است؟ فرمود:
... چون معتاد به آن را مبتلا به ارتعاش
می‌سازد و روشنی و بینش را از اومی گیرد
شرف و غیرت و جوانمردی را زایل میکند
و او را بگناه و کشتن و قتل نفس و ارتکاب
زنا و امیدارد و برمی‌گسار، جزیدی و
پلیدی، چیزی افزوده نمی‌شود (۱۰)

نکته قابل توجه دیگر، اینکه برخی
می‌پندارند که بعضی از مردم و پیروان ادیان
چون یهود و نصاری شراب و میگساری را
حلال و آزاد میدانند و می‌پندارند پیامبران
بزرگی چون حضرت موسی (ع) و حضرت
عیسی (ع) مبادرت به تحریم آن نکرده و
آنرا حلال دانسته‌اند. و حتی در مراسم
مذهبی و دینی چون عشاء ربانی و... رسماً
در کلیساها و... شراب مصرف می‌شود و
آنرا بعنوان تبرک می‌نوشند.
این پندار، هیچ دلیلی ندارد و هیچ
پیامبری نمی‌تواند این سرچشمه پلیدی‌ها
را حلال بشمارد (چون عامل نابودی جسم
و جان و عقل و ایمان و خرد است) (۱۱)
زیرا می‌دانیم که در رأس برنامه‌های همه

پیامبران، مبارزه با انحراف، آلودگی و
مفاسد فردی و اجتماعی بوده است و راز
بعثت انبیاء، تزکیه و پیرایش مردم از
انواع پستی‌ها و روزالت و آلودگی و انحرافات
است.

آنان، مجاهدات و رنج‌های فراوان در
این راه متحمل شده و تا پای جان رفته و
بشهادت رسیده‌اند؛ پس چگونه می‌توان
انتظار داشت که علت‌العلل فساد و بدبختی

و آلودگی‌ها را نه تنها ندیده گرفته، بلکه
آنرا مجاز و حلال بشمارند و بسان اسلام
نبرد با سرچشمه‌ها و ریشه‌ها و علت‌های فساد
را مدنظر قرار ندهند؟

بنابراین اگر در کتب مذهبی مطلبی بر
جواز آن دیده شود دلیل روشنی است بر
تحریم مطالب آن کتب.

با توجه به همین واقعیتها است که امام
باقر (ع) می‌فرماید.

« ما بعث الله نبیاً قط الا و فی علم الله
انه اذا اكل له دینه كان فيه تحريم الخمر
ولم یزل الخمر، حراماً » خداوند هیچ
پیامبری را مبعوث نکرد مگر آنکه در علم
الهی بود که پس از تکمیل دین و رسالت آن
پس‌ا بر (ص) خمر و شراب را در دین او
حرام اعلام کند و خمر همواره از طرف خدا،
حرام بوده است. (۱۳)

در شماره بعد مراحل مبارزه اسلام با
خمر، نحوه مبارزه و بهره‌گیری از سلاح
ایمان و مجازات اسلام درباره می‌گساری
و مبارزه با عوامل تولید و توزیع آنرا، بیان
خواهیم کرد. « ادامه دارد »

«می‌گساری»!

۱۰- و سائل الشیعه ج ۱۷ ص ۲۴۴ و علل الشرایع ج ۲ ص ۱۶۱

۱۱- جالب توجه است شعر حکیم سنائی شاعر معروف که می‌گوید:

نهد مرد خردمند، سوی پستی بی
نی‌چنان سرو نماید بنظر، سرو چو نی

نکند دانا مستی، نخورد عاقل می
چه خوری چیزی کو خوردن آن چیز ترا

۱۲- و سائل الشیعه ج ۱۷

والدهایم حربہای دیگر در دست آمریکا

نظام الدین نژاد ہا

آمریکا - کالیفرنیا

مدتی از سمرکورت والدهایم دبیر کل سازمان ملل بہ تہران می گذرد.

استقبال سرد توأم با اعتراض ملت ایران باین مهمان ناخواندہ انسان را بہ تفکر دربارهٔ علل آن وامیدارد...

نزدیک متجاوز از چهار ماہ از دومین دورہ انقلاب ملت میگذرد، انقلابی کہ بعد از موفقیت دردور اول آن کہ همانا بر انداختن رژیم ۲۵۰۰ سالہ شہنشاہی و بیرون راندن شاہ خائن از مملکت وسیعی در محو تمام عوارض و آثارش نظیر ارتش وابستہ و دست نشانده سازمان امنیت - اقتصاد ورشکستہ و متکی بہ خسارج و و... بود اینبار رودروئی مستقیم با حامیان آن حکومت یعنی خون آشامان بین المللی بسر کردگی حکومت آمریکا را ایجاب میکرد.

اشغال جاسوس خانہ آمریکا و پشتیبانی شجاعانہ امام از دانشجویان علیرغم تمام پیش بینی های ترس آلود مفسران خارجی و دستہ ای از هموطنان با موفقیت کامل روبرو گشت.

این عمل ثابت کرد تا زمانی کہ ملت بہ اتحاد و ہمبستگی خویش و با بقول امام وحدت کلمہ پای بند باشند هیچ قدرت و دولتی یارای مقابله با آنان را نخواہد داشت.

دولت آمریکا چه میخواست با ایران بکند کہ شاہ و ارتش دست نشانده اش نکردند؟ بغرض آمریکا بہ تهدیداتش عمل می کرد و

موفق باشغال نظامی ایران میشد چگونه می توانست این اشغال را ادامہ بہ ثمر برساند؟

آیا سرنوشتی دہا بار بدتر از ویتنام در انتظار حکومت آمریکا نبود؟

بلافاصلہ بعد از عمل دانشجویان، سیل تبلیغات و تهدیدات ایران را دربر گرفت اما تصمیم، قطعی بود. ندادن اجازه ورود بہ خط ہوائی ایران بہ رمزی کلارک فرستادہ ویزہ کارتر و سپس رد پیشنہادات گتکو و میانجیگری از گروہهای مختلف جهانی و تأثیر نداشتن تهدیدات نظامی و محاصره اقتصادی و انشاء جنایات آمریکا در ایران و جہان کہ توسط ملت و دولت ایران بہ آگاہی جہانیان می رسید و... مهمترین عامل: پشتیبانی بی دریغ و انجام تظاهرات ہمبستگی ملت کہ گاہ تعدادش فقط در شہر تہران رقمی متجاوز از میلیون نفر را شامل می شد و خنثی شدن تمام حیلہها و دسیسہهای سیاسی و نظامی اعم از داخلی و خارجی بالاخرہ دولت آمریکا را بہ این فکر وادار کرد کہ دست از تهدیدات غیر عملی برداشته و بفکر راه حلی باشد.

آمریکا می دانست کہ همان اشتباهی را مرتکب میشود کہ کمتر از یکسال قبلش شاہ انجام دادہ بود.

سال قبل امام موضوع بیرون رفتن شاہ را از ایران عنوان نمودند، این موضوع برای خیلی ها غیر قابل تصور بود ولی لطفاً بقیہ را در صفحہ ۳۶ مطالعہ فرمائید

از: م- زودق

بادست پرغرور و پریشان نواز خود
 باسینه‌ای سببر - که انبان رنج بود -

آری ... همان علی
 آری. همان علی

با گوله بار خاطره‌های بزرگ خود
 با اشتیاق " سبز" و زمان ناپذیر خود
 با عشق خود به " مردم" و " رفتار مردمی

با رنج خود برای مراعات حق و خلق
 با روح پاک خود

با آن صدای تشنه و گرم همیشگی
 گوید اذان صبح

اللَّهُ أَكْبَرُ

اللَّهُ أَكْبَرُ

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

أَشْهَدُ أَنْ ...

این مردم عوام

این گوسفندهای تمامی عصرها

(این دوستان گرگ

وین دشمنان کهنه و دیرین گله‌بان

این سایه‌های کهنه دیوار روزها

یک ... یک ...

دو ... دو ...

چند ... چند ...

می‌آمدند و خواب زاعماق روحشان

پرمی‌کشید نرم!

x x x

آه ... این " پدر"

آه ... این نمونه عشق و صفا و درد

مه رفته بود و شهر خموش و سیاه شب

در بستر گبودزمان خفته بود ... سخت

مه رفته بود و قصه تاریخ درد را

درگوش سرنوشت جهان گفته بود ... سخت

شب خفته بود سخت!

★★★

مردی ز پیچ کوچه - چو یک گربه - می‌خزید ...
 وز سایه‌اش هراس،

برخاگ می‌چکید ...

افتاد سایه‌اش به گمینگاه جوض آب

دستی کشید بر سر و رویش - به خستگی -

غم شد درون خلوت مسجد هراس او

★★★

به رفته بود و شهر خموش و سیاه شب

در بستر گبود زمان خفته بود ... سخت

به رفته بود و قصه تاریخ درد را

درگوش سرنوشت جهان گفته بود ... سخت

شب خفته بود ... سخت!

ز فرق شب ستاره پرشعله سحر

آشفته می‌دمید

گلدسته‌های مسجد " سرسبز" کوفه، باز

از سانک گرم مرد " تبوک" و " حنین" و " بدر"

عرق غریبوشد.

آری ... همان علی (ع)

با چشم خستدش!

در چشم من نهفتد،

خار در رخ من

وین استخوان درد که گام نموده زخم

- این خار و استخوان -

یاران پرمحبت تنهائی، منند

" این گفته از علی است"

تاریخ گریه کرد

این سایه لطیف و پراز مهر اشتیاق
این گله بان خسته و غمدیده و پریش
آه... این علی (ع)

با چشم و چهره و لب و آغوش و روح خویش
مشتاق خلق بود.

او برنگاه گردن مردم چه تشنه بود.
او را خدا زمهرز خودش آفریده بود.
او عاشق یکلایک دل‌های خسته بود
او یک پدر

او یک زمامدار؟ ... نه ... هرگز که یک "پدر"
با وسعت تمامی دنیای خویش بود.

★★★

صبح از سکوت شب
فریاد می‌کشید
رنگ از عذار شام
بی‌تاب می‌پرید

در سجده بود رهبر و مردم به پشت سر

سر روی خاک خسته، مسجد نهاده... سخت
محو عروج خویش

"یا
الله"

معبود قلب‌های پرستش نواز بود
"یا
الله"

می‌دید صحنه را

از اولین صفوف

- پشت سر "پدر" -

از قلب دوستان دغل باز حیل‌گر

(آنانکه چون مگس

تنها رفیق چربی و شیرینی تواند)

دستی بلند شد

برقی جهید

خونی چکید از لبه تیز دشنه‌ای

بانگی طنین فکند میان فضا و خون

"... فَرُّوْا رَبِّ الْكَعْبَةِ"

پیچید - همچو دود - بسختی بدور خویش

افتاد برکناره، محراب و خون جهید

از زخم فرق او

بهتی درون گنبد اندیشه‌ها نشست ...

پشت

زمان

شگفت ...

یک مرد

یک دست

یک ابتدال شوم

یک انتظار تازه ز آوار کینه‌ها

یک ارتداد کهنه و پروحشت و جهول

یک ارتجاع تند

بر "دار" زد حقیقت جاوید "بود" را

فرزند انقلاب محمد" به سجده‌گاه

در خون خود طپید.

آوخ

فرق علی شگفت ...

فرق زمان شگفت ...

فرق حقیقت همه لحظه‌ها شگفت ...

فرق بشر شگفت

بربستر همیشگی عسرت علی

- این بستر اسارت کلبیت بشر،

دروست شگفت تمامیت زمان-

تاریخ گریه کرد.

آن روز رنگ خون علی بود (و هست باز)

در بستر افق

رخت عروس صبح !!

بقیه از صفحه ۳۳ - سرانجام مجبور به انجامش شدند.

این بار بازگرداندن شاه و خانواده اش و ثروت های دزدی شده شان عنوان شد که باز هم با همان غیر قابل گفتگو بودنش برداشت شد اما اکنون می بینیم بعد از گذشت سومین ماه خیلی از موضوعات تغییر نموده . . . غیر قابل تغییر بودن درخواست ایران و برسمیت نشناختن دولت حاکم بر آمریکا جهت مذاکره و طرح موضوع با ملت آمریکا و عده ای از آمریکائیان معتبر از حیث شرافت و انسانیت و وابسته نبودنشان ، ادامه تظاهرات و اعلام پشتیبانی و همبستگی بسیاری از گروه های سیاسی در داخل و خارج حتی در خود آمریکا و اثبات بی نیاز بودن به کمک های خارجی و لو با تحمل مشکلات فراوان اولیه و بی اثر بودن هر نوع تهدید و واکنش و . . . حکومت آمریکا را مجبور به توسل بکورت و آلد هایم نمود آنهم فقط بصرف اعتبار دیر کل جامعه ملل بودنش.

در حقیقت این و آلد هایم نبوده و نیست که خود مستقیماً و از نظر جهانی بتوانند یعرانی را در جهان ازین ببرد و پیام مسئله ای را بدون رضای ابر قدرتها فیصله دهد چرا که این موضوع در عمر سی و چند - ساله سازمان ملل به اثبات رسیده:

تقسیم ملت های آلمان - کره - چین - ویتنام - پاکستان، ایجاد کشور اسرائیل و تجاوزات سی ساله این کشور بملل مسلمان و بخاک و خون کشیده شدن ملت فلسطین - ایجاد کودتاهای نظامی مکرر در کشورهای

والدهایم و جریب های دیگر در دست آمریکاییان

جهان سوم و آمریکای لاتین و پروی کار آوردن سرسپردگان بهتر برای حفظ منافع استعماری ابر قدرت ها - کشتار بی رحمانه آزادیخواهان و به بند و خون کشیدن جوانان حق طلب جهان توسط عمال و دست نشانده گانی نظیر محمد رضا ها ، اسرائیلیها و . . .

ایجاد هرج و مرج و تفرقه در شور - های تازه به استقلال رسیده و ایجاد درگیری بین کشورهای ضعیف برای فروش اسلحه بیشتر ، دور نمودن افکار عمومی ملت ها از شناخت دشمنان اصلی ، از میان بردن فرهنگ - بهداشت - کشاورزی در کشورهای جهان سوم و وابسته نمودن مطلق آنها و بسیاری دیگر از واقعیات که همگی توسط ابر قدرت های استعمارگر به سرکردگی آمریکا - انگلیس - شوروی انجام گردیده و میگردد موضوعات کوچکی نیستند که از نظر سازمان ملل غیر قابل بررسی باشند .

چگونه سازمان ملل در مورد حوادث و اتفاقات جهانی که همه روزه بنفع ظالمین و برضد مظلومین صورت میگیرد واکنشی انجام نمیدهد اما نسبت به بازداشت ۵۰ جاسوس که بعد از برانداختن آنچنان حکومتی هنوز برای آن حاکم کاری کردند تشکیل شورای امنیت داده و رأی به محکومیت ایران میدهد ؟

آیا این موضوع مهمتر از گروگان گرفتن و بخاک و خون کشیده شدن و بیرون راندن از سرزمین آباء و اجدادی ملت
لطفاً بقیه را در صفحه ۶۰ مطالعه فرمائید

کنگره جهانی :

حکومت اسلامی در انگلستان

ایوب سعید
استانبول

روز جمعه ۸ فروردین ماه جاری کنگره جهانی «حکومت اسلامی» از طرف رابطه شباب المسلم Muslim youth Association در «پورت اسمیت» (Portsmouth) با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم به کار خود آغاز کرد.

در این کنگره که به مدت چهار روز طول کشید، بیش از ۴۰۰ نفر از سراسر جهان شرکت کرده بودند، و چون شرکت کنندگان نمایندگان ملت‌های مستضعف بودند عکس برداری در کنگره ممنوع اعلام شد، که در غیر این صورت بیشتر شرکت کنندگان نمی توانستند به کشورهای خود بازگردند. بارزترین ویژگی این کنگره این بود که جمعی از شرکت کنندگان سخنگوی دولت متبوع خود نبود، بلکه از ملت مستضعف و تحت ستم دولت خود سخن میگفت و همگی از شخصیت‌های اسلامی غیر وابسته به رژیم‌های غیر اسلامی بودند.

در کنگره نمایندگان:

- ۱- جماعت اسلامی آمریکا
- ۲- اخوان المسلمین بریتانیا
- ۳- کتابخانه اهلبیت فرانسه
- ۴- اتحادیه دانشجویان اسلامی انگلستان
- ۵- انجمن دانشجویان ایرانی مسلمان

لندن .

- ۶- الرابطة الاسلامیة دانشجویان فلسطین .
 - ۷- جمعية الثقافة الاجتماعية کویت
 - ۸- اتحادیه دانشجویان اسلامی لبنان
 - ۹- مرکز اسلامی - اهلبیت - استانبول
 - ۱۰- مجلس شرع اسلامی جعفری قطر
- سخنرانی کردند و از ویژگی‌های «حکومت اسلامی» به تفصیل سخن گفتند. در این کنگره همچنین وضع مسلمانان افغانستان، فلسطین، فلیپین، اریتره، چاد و... مورد بحث قرار گرفت و اشغال افغانستان توسط شوروی محکوم شد و از موضع مجاهدین افغانی پشتیبانی اعلام گردید.

* * *

امپریالیسم شرق و غرب

در این کنگره تأکید شد که آمریکا و شوروی هر دو دشمن اسلام است و باید کشورهای اسلامی در برابر هر دو این قدرت به شدت بایستند و مقاومت کنند. و اگر کشوری در اثر یک سلسله شرایط جغرافیایی و غیره بایکی از این دو امپریالیسم درگیر است باید متوجه باشد که این درگیری او را به امپریالیسم دیگر نزدیک نکند و کشوری که در تحت سلطه

یکی از این دو استعمارگر خونخوار قرار گرفته، برای نجات از زیرویغ آن به دیگری متوسل نشود.

نمایندۀ فلسطین، ضمن انتقاد از موضع الفتح هرگونه گرایشی را به شوروی محکوم کرده، از انقلاب اسلامی ایران به تفصیل سخن گفت و تأکید کرد که پس از پیروزی اسلام در ایران صهیونیسم جهان-خوار محکوم به سقوط بوده و آزادی بیت المقدس از اسرائیل اشغالگر حتمی است.

نمایندۀ لبنان، از موضع تأسف انگیز جنوب لبنان سخن گفت، و قتل عام مردم بی دفاع و بی سلاح منطقه را توسط اسرائیل خونخوار محکوم کرد و از سکوت کشورهای بنام اسلامی در برابر سرنوشت **امام موسی صدر** و سرنوشت جنوب لبنان، مهد تشیع و سرزمین ابوذرها، بشدت انتقاد کرد.

نمایندۀ عراق، از وضع مسلمانان عراق و شکنجه های ترون وسطائی و قتل عام های وحشیانه حزب خونخوار بعث سخن گفت و ادامه معاصره منزل آیت الله سید محمد باقر صدر را بشدت محکوم کردند (۱) **نمایندۀ الجزایر**، از انقلاب مردم قهرمان الجزایر و فداکاریهای بیدریغ آنان و بهره برداری استعمارگران سخن گفت، و آرزو کرد که در اثر بیداری ملت مسلمان ایران، انقلاب ایران به سرنوشت انقلاب الجزایر مبتلا نشود.

نمایندۀ اخوان المسلمین، از ۱- در آن روز مرحوم آیت الله صدر به درجه رفیعه شهادت نائل نگشته بودند

مجاهدات «اخوان المسلمین» و نقش رهبری مرحوم، **حسن البنا** سخن گفت و موضع ضد اسلامی انور سادات را بشدت تقیح کرد.

نمایندۀ دانشجویان ایرانی از انقلاب اسلامی ایران به تفصیل سخن گفت و ابعاد مختلف انقلاب شکوهمند ایران را تجزیه و تحلیل کرد و نقش رهبری حضرت آیت الله العظمی **امام خمینی** و دیگر مراجع عالیقدر تقلید راستود و از موضع ایران در برابر استعمار جهانخوار شرق و غرب به خصوص آمریکای جنایتکار و اسرائیل اشغالگر، پشتیبانی کرد.

* * *

نگارنده نظر به اینکه در استان بول زندگی میکند، از این رهگذر سخنان نمایندگان دیگر کشورها را به اختصار بر گزار کرد و سخنان نماینده مرکز اسلامی استان بول را به تفصیل می آورد:

نمایندۀ مرکز اسلامی استان بول طی بحث مفصلی از جنبش مسلمانان ترکیه و تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران چنین گفت:

«من از ترکیه سخن میگویم ترکیه ای که روزی اروپا را به لرزه در آورده بود و امروز برای ساده ترین نیازهایش، دست گدائی بسوی هر کس و ناکس دراز کرده است چه شد که مهد خلافت عثمانی به این

روزگار سیاه افتاد ؟
انقلاب شد .

چه انقلابی؟ انقلابیکه دین و آئین و فرهنگ و همه چیزشانرا بر باد داد. انقلابی که حروف عربی را از دشت آنها گرفت و حروف لادینی (لاتینی) را برایشان به ارمغان آورد. پیوندشانرا از گذشته کلا قطع کرد فرزندان، از خواندن کتابهای نیاکان عاجز شدند، کتابخانهها بصورت موزه در آمد(۱) امور مذهبی بدست تربیت یافتگان مدارس «امام خطیب» و دانشکده الهیات افتاد(۲) «لائیکی» جانشین خلافت عثمانی گردید، و برای گول زدن مردم «لائیکی» را به معنی «جدائی دیانت از سیاست» تفسیر کردند، در حالیکه مجلس مؤسسان آنکارا (که رژیم لائیکی در آنجا به تصویب رسیده است) لائیکی را چنین معنی میکند:

«به دور انداختن ادله نقلیه و بکار بستن ادله عقلیه»

بدیهی است که منظور از ادله نقلیه «قرآن» و «سنت» میباشد، و هنگامیکه قرآن و سنت را از رژیم حنفی حذف کنند دیگر دیانتی نیمماند تا از سیاست جدا باشد یا نباشد؟ این بود دست آورد انقلاب دجال بزرگ عصر برای کشور ترکیه.

فجر امید:

در اثر این جنایت به اصطلاح انقلاب، پیوند ملت ما با فرهنگ عالی اسلام قطع شد

نگره جهانی: حکومت اسلامی در انگلستان

و هر روزیکه بر مامی گذشت فاصله جوانان ما از فرهنگ اسلام بیشتر می شد و رکود و خمود و جمود سایه سنگینش را بر سر ملت ما گسترش میدهد، دیگر آمیدی برای حرکت و رهایی نبود، که ناگهان خورشید اسلام از ایران درخشید و پر کالبد بیجان ما جان دمید. ترکیه امسال، دیگر ترکیه دو سال پیش نیست امروز همه جاسخن از اسلام است. و اسلام تنها بصورت یک سلسله دستورات اخلاقی و عبادتی مطرح نیست، بلکه به عنوان یک نظام عالی سیاسی اجتماعی و اقتصادی مطرح است.

۵ سال پیش هنگامیکه رساله های شهید «حسن البناء» به زبان استانبولی در ترکیه منتشر شد، توجه نسل جوان را نتوانست به خود جلب کند ولی هر چه انقلاب اسلامی ایران به پیروزی نزدیک می شد توجه نسل جوان به چنین کتابهایی جلب می شد که در همین ایام نسخه های کتاب یاد شده نایاب و تجدید چاپ شد. نهضت ترجمه شروع شد کتابهای پراچ اسلامی همچون اقتصاددانان به استانبولی ترجمه شد و آنچنان مورد توجه قرار گرفت که هزار نسخه آن در کمتر از ۴ ماه نایاب و تجدید چاپ شد.

باتوجه به اینکه کتاب یاد شده در سطح همگان نیست و کتاب قطور علمی تخصصی است اهمیت رقم فوق روشن میشود.

- ۱- فی المثل کتابخانه «سلیمانیه» در استانبول که بیش از ۲۰۰۰۰۰ کتاب خطی را در بر میگیرد، هیچوقت بیش از ۵۰۰ نفر مطالعه کننده در روز ندارد، در حالیکه برخی از کتابخانه های «قم» روزی بطور متوسط ۱۳۰۰ نفر مطالعه کننده دارد
- ۲- در میان بیش از ۶۰۰۰۰ نفر روحانی (اعم از امام جماعت و خطیب) وابسته امور دیانت آنکارا، تعداد کسانی که بتوانند قرآن و حدیث را بخوانند و درک کنند از عهده تحلیلش بر آیند، از شماره انگلستان تجاوز نمیکنند

گرایش نسل جوان به کتابهای ارزنده و سازنده اسلامی روح تحرک و دینامیسم را در کالبد آن دمید و آنها را دسته دسته به خیابانها ریخته، فضای کشور را باطنین شعار «الله اکبر» پر کرد.

بانك الله اكبر آنچنان پایه های رژیم لائیک را به لرزه در آورد که در ۲۰ شهر ترکیه حکومت نظامی برقرار گردید، و هم اکنون بیش از ۲۰ ماه است که حکومت نظامی ادامه دارد و دلیلی جز اوج گرفتن جنبشهای اسلامی ندارد در نخستین روز برقراری حکومت نظامی ۱۹۰۲ نفر در شهر مویش کشته شد که خبر گزاریها آنرا در حدود ۱۱ نفر مخابره کردند و در مدت ۲۰ ماه تعداد کشته شدگان خیابانی بیرون از شماره است هم اکنون علیرغم فشار دولت، هر چند یکبار تظاهرات عظیمی در یکی از شهرهای کوچک به راه می افتد، و جوانان پر شور مسلمان به یکی از شهرهای کوچک (که در آن حکومت نظامی نباشد) روی می آورند و تظاهرات باشکوهی راه می آندازند و خواستار حکومت اسلامی می شوند.

و جالب توجه اینکه تظاهر کنندگان عکسهای امام خمینی را با خود حمل میکنند جنبش اسلامی ما، در ترکیه در سطح بسیار عالیست ولی متأسفانه از وجود رهبری چون امام خمینی محروم هستیم. بدیهی است که وجود یک رهبر آگاه دوراندیش شرط اساسی یک حرکت است.

ما در این جنبش عظیم اسلامی مروهون برادران مسلمان ایرانی خود میباشیم انقلاب ایران بود که به ما الهام داد و جهت بخشید و آمریکا را از غول بودن ساقط کرد.

بسیار خوشوقتیم بگویم که برادران

کنگره جهانی: حکومت اسلامی در انگلستان

مجاهد ترك در دهها شهر ترکیه برای اعلام همبستگی با ایران پرچم آمریکا را به آتش کشیدند، چنانکه در روزهای اخیر نیز برای اعلام پشتیبانی از مجاهدین افغانی پرچم شوروی را به آتش کشیدند.

حوادث اخیر افغانستان به ما آموخت که دشمن دشمن است. چه و راست فرق نمیکند. اینک ما نیز با برادران ایرانی خود همصدا شده می گوئیم: **نه شرقی نه غربی، «حکومت اسلامی»**

اینک رژیم ما که معجونی از مثلث شوم «فراماسونری، لائیک و غربی» میباشد، در برابر جنبش مسلمانان به ترس و لرز افتاده برای گول زدن مردم دم از اسلام میزند و سخنان خود را با بسم الله شروع میکند و دیگر در برابر دولت اسلامی ایران عریضه نمی کشد. اما دیگر دیر شده است و مردم نمیتوانند چهره فراماسونری و آمریکائی او را فراموش کنند.

* * *

آخرین جلسه کنگره به «بحث آزاد» اختصاص یافت، در این بحث آزاد که به سرپرستی آقایان:

- ۱- خاقانی، رئیس محکمه شرع اسلامی جعفری «قطر»
- ۲- سید حسین حکیم، سرپرست مجله المنطق «لبنان»

تشکیل یافته بود به پرسشهای اعضای کنگره پاسخ داده شد، و بیشتر پرسشها در زمینه ولایت فقیه و ابعاد مختلف حکومت اسلامی بود و طبیعی است که بخش اعظم هر کنفرانس به تحلیل نهضت اسلامی ایران و اخبار جنبشهای اسلامی مسلمانان جهان اختصاص می یافت.

«پایان»

استراتژی پنتاگون در اقیانوس هند

« امپریالیست های آمریکایی متقاعدند که گفتگو با ملت ها، باید با زبان بمب ها و گلوله های توپ و خمپاره و با همراهی غرش بمب افکن های جت انجام بشود !! »

مسأله حفظ مواضع اقتصادی، نظامی و سیاسی ایالات متحده در جهان رویتوسعه سبب نگرانی طراحان سیاست خارجی ایالات متحده شده است.

خاصه، « زبگنیف برژینسکی »، رایزن امنیت ملی رئیس جمهوری ایالات متحده، با نگرانی آشکاره « آگاهی بی- سابقه سیاسی توده های چندین میلیون مرد در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین » اشاره کرد. در ضمن، او توجه را به این حقیقت جلب کرد که « هلال بی ثباتی » دقیقاً از میان کشورهای اقیانوس هند میگذرد.

پاره ای از سیاستمداران دوراندیشتر و واقع گراتر غربی درخواست می کنند که گفت و گوی شمال و جنوب برگزار بشود و آنها تأکید می کنند که منافع آنها در حل

با وجود بیانیه های مکرر کاخ سفید درباره « غیر نظامی کردن منطقه اقیانوس هند »، و منجمد کردن فعالیت نظامی در آنجا، یک نیروی ضربتی نیروی دریائی ایالات متحده متشکل از هفت کشتی جنگی در اکتبر ۱۹۷۹ وارد اقیانوس هند شد.

ورود ناوهای هواپیمابر به کرانه های کشورهای دیگر، به نحو روشن، دلایلی را برای اثبات این ادعا ارائه میدهد که ایالات متحده می کوشد، اقیانوس هند را به یک منطقه حضور نظامی دائمی تبدیل کند.

ایالات متحده مایل خواهد بود، این منطقه وسیع را به زور ناوهای هواپیمابر نگهداری کند، منطقه ای که از نقطه نظر آمریکائی ها، اهمیت فراوان « ژئوپولی- تیک » نظامی و استراتژیک دارد.

سیری در مطبوعات

مسائل براساسی نهفته است که مشترکا پذیرفتنی باشد.

عده این سیاستمداران زیاد نیستند و مداخلات «بازها» نمی که درباره این موضوع هنوز در چهارچوب امپریالیستی می اندیشند، تاکنون بلندتر بوده است.

آنها هنوز معتقدند که این گفت و گویا ملتها، باید با زبان بمبها و گلوله های توپ و خمپاره با همراهی غرش بمب افکن های جت انجام شود! به این دلیل است که ایالات متحده، سازمان گسترده نظامی در اقیانوس هند را، آغاز کرده است.

افزایش فعالیت نظامی امپریالیسم جهانی در مناطق گوناگون کشورهای روبه توسعه عملا از تایید چین برخوردار است. اقیانوس هند، از این لحاظ، استثناء نیست.

سکوت گویای چین

حکومت «هواکوفنگ» نخست وزیر چین، «سکوت گویا» بی را بر سر نو سازی و گسترش پایگاه دریایی ایالات متحده در جزیره «دیباگو گارسیا» اختیار کرده است.

پایگاههای دیگر نظامی ایالات متحده، در مجاورت بی واسطه کشورهای مستقل آسیائی ساخته می شود و این کار نیز، با رضایت ضمنی رهبری کنونی چین انجام می شود.

در حال حاضر، توانائی نظامی چین، آنقدر نیست که بکن را قادر سازد کنترل خود

را بر آن بخش از جهان اعمال کند، اما در آینده، چینی ها قصد دارند منطقه نفوذ خودشان را نخست با قرارداد اقیانوس هند و سپس اقیانوس آرام در این حوزه گسترش بدهند.

اگر انسان این حقیقت را ملاحظه کند که پکن اخیر آبار دیگر نقشه های جغرافیائی را منتشر کرد که در آن، سرزمینهای قابل ملاحظه بی از بسیاری از کشورهای اقیانوس هند، خاصه سرزمین های هند به عنوان سرزمینهای چینی نشان داده شده است!، چنین تصورهایی، چندان دور از واقعیت نیست. افزون بر این، در بحران ایران، چین با ایالات متحده همکاری میکند.

لزوم تغییر سیاست آمریکا

در برابر مسلمانان

دست کم، «نظر پردازان» و دانشمندان اجتماعی در ایالات متحده، باید روی این پرسش که چرا دولت آنان در سراسر جهان، خاصه از سوی اعراب و مسلمانان، مورد نفرت شدید هستند، سرگرم فکر کردن باشند:

چرا هر وقت يك حادثه ضد اسلامی روی میدهد، ذهن مسلمانان بسوی واشنگتن روی می آورد؟

پاسخ این پرسش این است که آمریکا گذشته نمی دارد که جهان عموماً، و مسلمانان خصوصاً حاضر نیستند آن را از اعمال کنونی و بلند پروازی های آینده آن جدا کنند.

سیری در مطبوعات

«کارتز» چیست ؟

چه کسی «بالکانی کردن» ! های امروز را به شکل های لبنان ها و یمن ها تشویق میکند؟ ایالات متحده پاسخی را بخود مدیون است!

اصالت گرایش به اسلام

جامعه کشورهای عرب که چندی پیش سی و پنجمین سالروز خود را جشن گرفت، از ۱۹۴۵ که به وجود آمد، کوشیده است تا نقش سازنده بی بازی کند. امروز، ۲۲ کشور مستقل از آفریقا و آسیا، اعضای این جامعه هستند. این جامعه، در حوزه همکاری اقتصادی و ثبات منطقه‌یی، سیاست مؤثری را برای کشورهای عرب تأمین کرده است. بر اساس منشور جامعه عرب، هدف این سازمان آنست که روابط میان کشورهای عرب را تقویت کند، فعالیت های سیاسی آنها را به شیوه بی هماهنگ سازد که همکاری واقعی در میانشان بر وجود بیاید، تمامیت ارضی آنها را حفظ کند، استقلال شان را حفظ کند و به طور کلی، به امور و منافع کشورهای عرب رسیدگی کند.

جامعه عرب، سبب بنیاد گذاری «فدراسیون اتاق های بازرگانی»، «صنعتی و کشاورزی»، شرکت دریایی عرب، یک اتحادیه پستی و بازار مشترک عرب شد.

نزدیکی جغرافیایی و نبودن مانع زبانی
طهارتی بزرگ

چه کسی نمی داند که ایالات متحده، با نادیده گرفتن همه مقررات قانون بین المللی، اخلاق، انسانیت و هر ارزشی که با سر و صدا ادعا میکند که آنرا محترم می شمارد، توطئه هایی را برای نگهداشتن کشورهای ناتوان، خاصه جهان اسلام، در زیر چنگال خود، طرح کرده است ؟

تحقیری که نسبت به اسلام، بعنوان یک آئین، روا داشته میشود، در این حقیقت آشکار میشود که «وحشیگری»!، «ارتجاع»!، «کهنه پرستی»!، تنها چند کلمه نئی هستند که در گفت و گو های روزانه و نوشته های آمریکائیا، در مورد اسلام به کار میرود.

گفتن اینکه آمریکا اسلام را درک نکرده است، نادرست است. آمریکائیا بسیار خوب میدانند که اسلام و مسلمانان چه میخواهند، و به این دلیل است که هر وقت اسلام ظاهر میشود و آنها آن را به عنوان خطری برای منافع استعماری جدید خود، و همچنین شیوه زندگی خود، تلقی میکنند، در زیر پوشش «تعصب»، همه نیروها را علیه اسلام بسیج میکنند.

و گر نه فلسفه «روی تخت نشاندن مجدد» محمد رضا پهلوی در ۱۹۵۳ چه می تواند باشد ؟

منطق صلح جداگانه میان «سادات» و «بگین» در زیر چشم «مهربان»!

سیری در مطبوعات

که اسلام را به انزوا کشاند و «عرب گرایی» را بپایان آورد.

اعراب ، بیش از آنکه با اسرائیل نبرد کنند، با خودشان جنگیده اند.

حقیقت آنست که به خاطر اهمیت اندکی که به اسلام داده شده است، جامعه اعراب زبروز بر شده است.

علت «بالکالی کردن»، «خروده ملی»

«عرب گرایی» بوده است. جنگ متناوب میان اعراب که ما امروز می بینیم ، نتیجه عدم تأکید بر اسلام است.

فتوحاتی که اعراب در گذشته کرده اند، به نام و برای اسلام بود، نه «عرب گرایی». «عرب گرایی»، با عقاید مشابه ملی گرایی که در بخش های آگوناگون جهان مطرح میشود، و درباره آنها تبلیغ می کرد، تفاوتی ندارد.

دلیل اصلی این که اعراب خود را در برابر اسرائیل، کوچک و درمانده می بینند. آنست که آنها بی میل اند قدرت و حمایت را از اسلام کسب کنند و «عرب گرایی» ، آن قدر الهام بخش نیست که بآنها جسارت ببخشد.

رستاخیز اسلام که در گذشته اخیر سبب شده است حضورش در ایران ، ترکیه، پاکستان و افغانستان احساس شود ، باید ذهن اعراب را بفکر کردن وادارد - همه این کشورها، کشورهای غیر عرب هستند.

لطفاً بقیه راندن صفحه ۶۰ مطالعه فرمائید

نقش مهمی را در تقویت جامعه عرب بازی کرده است.

عواقب ملیت گرایی در جهان

اسلام

اما جامعه، به پاره بی از عیوب دچار است. جامعه نمی تواند يك کشور عضو را ناخشنود سازد. این سبب میشود که جامعه نتواند علیه هر گونه بی عدالتی که حکومت يك کشور عضو اعمال می کند اعتراض کند.

مطالعه بیانیه های سیاسی که مقامات جامعه عرب گاه گاه صادر کرده اند، تأکید بر «عرب گرایی» را نشان میدهد. به زبان عربی، فرهنگ عرب ، سنت های عرب ، بسیار اشاره میشود و نتیجه آن میگردد که اسلام، به انزوا کشانده شود و چرخ پنجم ارا به گردد!

«شدلی کلیبی»، دبیر کل جامعه

عرب، می خواهد تادرمیان جوانان عرب، وفاداری در برابر سرزمین عربی را بوجود بیاورد افرون بر پرستیدن کشوری که به آن تعلق دارند، او از آنان می خواهد، «برای پیشرفت فرهنگ عرب بکوشند» از آنها میخواهد «برای حفظ مقام سرزمین عرب و فرهنگ عرب، فداکاری بکنند» از اعراب میخواهد که باور کنند که «اینها ، اجزای شعور ملی اعراب هستند».

«ناصر»، در گذشته است اما «ناصر»

«عرب گرایی» شاید هنوز پابرجا باشد. او بود

امر به معروف و نهی از منکر

عمل بهترین روش تربیت دیگران

هادی دوست محمدی

درصد این نیستیم که : موضوع «عمل» را به طور تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و فعلا این اصل بسیار مهم اسلامی، که در تمام مسائل و احکام و قوانین، رکن اساسی است، موضوع بحث مانیت، تنها خاطر خوانندگان عزیز را به این نکته جلب می کنیم که : عالیترین، مفیدترین و مؤثرترین روش «امر به معروف و نهی از منکر» این است که مردم، مارا الگویی واقعی اسلام ببینند تقوا، ادب، کمال، ... و اخلاق اسلامی از تمام حرکات و سکنات ما نمایان باشد . وجودمان بدون اینکه چیزی بگوئیم، امر به معروف کند و نهی از منکر نماید، آیا ملاحظه کرده اید که : هرگاه در جمعی يك نفر انسان بزرگوار و مؤمن واقعی باشد بدون اینکه چیزی بگوید، آنچنان در جمع، اثر میگذارد که آنان به فکر گناه و انحراف نمی افتند و بی اختیار و ناخود آگاه تحت تأثیر شخصیت والای او قرار میگیرند؟

روی همین اصل هم هست که : یکی از علانم مؤمن در اسلام، این است که : «منظرش و دیدنش انسان را به کمال و فضیلت دعوت نماید .» پس جای انکار نیست که بهترین راه امر به معروف و نهی از منکر راه «عملی» است، آنچه را میگوئیم خود قبلا به آن معتقد و عامل به آن باشیم، فرد یا

جامعه انسانیت، کمال، اخلاق اسلامی، محبت، عشق و علاقه بسعادات مردم و دلسوزی را از قیافه ما احساس کنند و ببینند. امر و نهی ما را خود خواهی، ریاست طلبی، حب شهرت یا منفعت جوئی، تلقی نکنند که اگر توانستیم عمل کنیم و مردم هم درک کردند در اجرای این قانون الهی و ساختن انسانهای متعالی و نجات دادن آلودگان، منحرفین و به دام افتادگان، پیروزی چشمگیری خواهیم داشت و گرنه معمولا اثر معکوس به جای خواهیم نهاد و به جامعه و دین لطمه خواهیم زد به جامعه ؟ چون با روش غیر اسلامی و غیر انسانی، آنان را در ارتکاب گناه انحراف از راه راست جری تر کرده ایم و باعث سماجت آنان در راه کجشان شده ایم و به دین ؟ چون چهره دین و قانون امر به معروف و نهی از منکر را در نظر آنان، زشت و کریه و ریائی جلوه داده ایم و این سبک و روش، در پیشگاه الهی، خطائی بس بزرگ و موجب خشم و غضب خدای متعال خواهد گشت .

در قرآن مجید، میخوانیم : یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون : کبر مقتا عند الله ، ان تقولوا مالا تفعلون (۱)
«ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزهایی را میگوئید که خود به آن عمل نمی کنید اینکه چیزی نطفا ووق بزنید

۱- سوره صف آیه های ۲-۳

امر به معروف و نهی از منکر

آقایان،

امر به معروف و نهی از منکر، تنها، موعظه و تبلیغ و تهدید و ارباب نیست...

۲- در آنچه که امر میکنند مردم رابه آن سفارش مینمایند یا نهی می کنند و دیگران را از آن باز میدارد عدل و اعتدال و میانه روی را رعایت نماید و عادل باشد .

۳- در امر به معروف و نهی از منکر ، بار نق و مدارا و ملایمت رفتار کند .

ملاحظه می کنید که امام (ع) در این بیان جامع چگونه روش و راه امر به معروف و نهی از منکر را نشان داده که در هر صورت، عمل ، رکن اساسی و شرط بنیانی اجرای این قانون شمرده شده است و دقیق و ریزه کاری هائی را که موجب موفقیت در انجام این وظیفه میگردد، نیز نشان داده اند ؟

* * *

با کمال تأسف ، در نظر بسیاری از مسلمانان ، هنگامی که صحبت از امر به معروف و نهی از منکر میشود فوراً تنها دوراه و دو وسیله به نظرمان میرسد یکی: صحبت و بند و موعظه و تبلیغ، و دیگری: به کار بردن زور و فشار ، و ارباب و تهدید، ! شکی نیست که این هر دو ، در مواقع مخصوص به خود بسیار خوب و لازم هستند و باید هم چنین باشد ولی مؤثرترین وسیله « بهترین راه و نافذترین روش را فراموش میکنیم که عبارت است از: «حسن نیت» و الگویی عملی بودن و از راه صحیح «رفق و مدارا» وارد شدن .

نکته دیگری که موجب تأثر و تأسف عمیق شده



را بگوئید و خود به آن عمل ننمائید ، خطای بسیار بزرگ است که موجب خشم و غضب خدای متعال خواهد شد، و امام صادق (ع) فرمودند : مردم را با عمل خود به نیکیها دعوت نمائید **كونوا دعاة للناس باعمالکم - (۱)**

بعلاوه، هنگامی که این قانون ، با عمل ابلاغ نشود و با روش و کردار صحیح، با مردم روبرو نشویم **جامعه را ، تنها ادعاها و حرفها ، پر خواهد کرد و تدریجاً حرفها و نوشتهها نیز عادی و بی اثر و بی ارزش خواهد شد** آنجاست که : **تهرأ قانون امر به معروف و نهی از منکر، تعطیل میشود ، و تعطیل شدن این قانون یعنی: تعطیل گشتن، تکامل، آزادگی مسؤلیتها ارشاد و هدایت و رواج یافتن فساد، ظلم ، تباهی، بی بند و باری، هرج و مرج، رکود انسانی و بهر وی کار آمدن افراد پست و تبه کار .**

امام صادق (ع) فرمودند: **انما یا امر بالمعروف وینهی عن المنکر من کانت فیه ثلاث خصال: عامل بما یامر به، تارک لما ینهی عنه، عادل فیما یامر و عادل فیما ینهی، رفیق فیما یامر رفیق فیما ینهی (۲)** در حقیقت کسی امر به معروف و نهی از منکر می کند که دارای سه خصلت باشد : ۱- به آنچه که امر می کند، خود عامل به آن باشد و آنچه را که مردم را از انجام دادنش باز میدارد و نهی میکند خود مرتکب آن نشود .

۱- این روایت با مختصری تفاوت از رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) نیز نقل شده است

۲- وسایل کتاب امر به معروف و نهی از منکر، باب ۱۰ روایت ۳

امر به معروف و نهی از منکر

جوانهای پاک سرشت و معصوم را با برخوردهای غلط از اسلام روی گردان نکنیم...

هم هست ، گاهی بایک برخورد غلط که به تکفیر جوان می انجامد ، یا بادیدن خشونت و شنیدن اهانت ، از آغوش اسلام به کنار میرود که در همین حالت حساس روانی گروهها ، وی را جذب می کنند که بهترین موقع جذب و ربودن است ، مانمیگوئیم : اینجاق با آن جوان است ، زیرا او نباید با دیدن بدی خود به بدی و کژی متمایل شود ، ولی میگوئیم : یکی از علل بدبختی و انحراف این جوان ، شخص مستلmani شده است که به بینش و اخلاق اسلامی مجهز نیست و عملش لطمه بر اسلام و مردم میزند ، بهترینست به جای تکفیر ، ارعاب ، اهانت ، تهمت و افتراء ، زبان او را بدانیم و ببینیم از چه راهی میشود او را نجات داد ؟ بهترینست که مانند رسول اکرم (ص) و سایر پیشوایان معصوم (ع) با اخلاق و رفتار صحیح اسلامی او را به آغوش گرم اسلام باز گردانیم ؟ که : **ادع الی سبیل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن ؟ (۱)**

مسئولیت سنگین روحانیت

اکنون ، اگر در لباس ارزشمند روحانیت نیز باشیم و عمل ما طبق روش و اخلاق اسلامی نباشد چگونه خواهد شد ؟ غوغا به پا خواهد کرد ، طوفانی ایجاد خواهد نمود ، که بسیاری را به غرق گشتن و نابود شدن خواهد کشانید ، گروههای تقلیدی و خودباخته که همیشه در صدد عیبجویی و نشان دادن نقطه ضعف از روحانیت مجاهد و متحرک شیعه هستند ، در اینجا عمل خطای یک فرد ملبس به لباس روحانیت را بزرگ و بزرگتر جلوه میدهند و انگشت نمایی کنند و به این و آن نشان میدهند و باین بهانه «اسلام» را

این است که اخیراً نوعی خشونت گرائی و حالت تخریبی در میان ما به وجود آمده که به جای اصلاح ، ارشاد و ساختن ، به ویران کردن ، خراب کردن ، کوبیدن و از بین بردن می پردازیم گاهی با کوچکترین بهانه ، همدیگر را رسوا می کنیم ، و اصولاً روح اسلامی و تقوای اخلاقی و هدف امر به معروف و نهی از منکر را فراموش کرده ایم بیشتر به قهر و خشم ، ارعاب و تهدید ، و انتقام جوئیها می پردازیم بایک اختلاف سلیقه یا خطا و اشتباه ، یکدیگر را تکفیر و تفسیق می کنیم و در نتیجه ، نه تنها به هدف امر به معروف و نهی از منکر نمی رسیم ، بلکه سبب میشویم که اسلام ، کریه و زشت جلوه کند و افراد منحرف و گم گشته ، بیشتر در انحراف و گمراهی بمانند ، لجاجت کنند .

سبب انحراف

با تحقیقاتی که شده این حقیقت تلخ مسلم گشته و این واقعیت ، ملموس شده است که : بسیاری از طرفداران گروههای منحرف ، بر اثر روشها و اعمال ما به سقوط کشانده شده اند ، یک ایدئولوژی قوی و منطقی رسا و نیرومند ، باعث کج رویشان نشده است زیرا چنین چیزی نیست و ندارند ، خوشبختانه از فلسفه و منطق مستحکمی برخوردار نیستند ، اینان غالباً بر اثر برخوردهای ناصحیح ما و دیدن نقاط ضعفهای مادر بر تگاه قرار گرفته اند مخصوصاً جای دقت است که بسیاری از جوانان عزیز ما بر اثر سادگی ، صفا و پاکی و بر اثر نداشتن اطلاعات عمیق اسلامی به دام گروههای انحرافی می افتند ولی آنچه موجب موفقیت منحرفین ، در جلب این جوانان میشود ، اعمال ناستوده ما و در بسیاری از مواقع آشنا نبودن به بینش اخلاق اسلامی آمرین به معروف و ناهیان از منکر می باشد .

جوانی که مالا مال از احساس و عاطفه است و دارای غرور و ویژه جوانی است و طبعاً جستجوگر -

امر به معروف و نهی از منکر

«ایدئولوژی» را «مکتب» را می‌گویند و آن نوجوان کم‌اطلاع و بی‌خبر را منصرف می‌سازند! پس در هر حال عمل و روش و طرز کار ما، در قشرهای جامعه اثر غیر قابل انکار دارد، چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی!.

* * *

با این حساب بر ما لازم است که علاوه بر مجهز کردن فرزندان اسلام، به قدرت و مایه‌های علمی و آگاهی عمیق از مبانی و معارف اسلامی، اخلاق و عمل و حرکات و سکنات آنان را نیز با برنامه‌های اسلامی و سیره و سنت پیشوایان دین (ع) تطابق دهیم به گونه‌ای که از یک نفر مسلمان مسئول، خلاف اخلاق اسلامی، متصور نشود و عمل او بهترین معرف اسلام باشد.

روی این اصل بر همه مسلمانان عموماً و بر مسئولین حوزه‌های علمی به خصوصاً، لازم است که در این مورد اقدام سریع نمایند، با دادن نظام صحیحی به حوزه‌ها، اولاً: به هر کسی اجازه استفاده از لباس روحانیت، را ندهند و ثانیاً: هر شخصی که هنوز از جهات علمی، اخلاقی و تقوا و بینش بنیه‌ای نگرفته، نتواند، به عنوان مبلغ اسلامی و نماینده روحانیت در میان مردم برود، که اگر به این امر حیاتی توجه نشود زبان جبران ناپذیری خواهیم دید که در گذشته چنین نبوده، زیرا همچنانکه یک عالم عامل اسلامی، در نجات و ارشاد انسانها، نقش حیاتی دارد خلأ فکری و خطا و بی‌تقوائی و نداشتن بصیرت و بینش اسلامی بایک حرکت غیر انسانی از وی اثر مرگ آفرینی به پی‌جای خواهد نهاد که: **زلة العالم تقصد العوالم** (۱)، لغزش عالم، جهان را به فساد می‌کشانند، و **زلة العالم کانکسار السفینة تفرق و ترفق** (۲)

خطای عالم و دانشمند، همچون شکستن کشتی است که هم خود غرق می‌شود هم دیگران را غرق می‌کند، **و ذلة العالم کبيرة الجنايه** (۳) خطا و گناه عالم، جنایت بزرگ است نکته این معنی روشن است زیرا آنگاه او جامعه‌ای را فساد و انحراف می‌کشانند ملتشی را غرق می‌کند و مع الاسف بخود اسلام و دین هم لطمه می‌زنند.

اول از خود آغاز کنیم

و بالاخره به این نتیجه می‌رسیم که: بهترین، مؤثرترین راه و روش ارشاد و هدایت مردم و امر به معروف و نهی از منکر، «نخست خود عمل کردن» است که با زبان ایمان و دل انجام می‌گیرد و بدون هیچ سر و صدائی اثر می‌گذارد که باز مولای آزادگان امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند: **من نصب نفسه للناس اماما فعلیه ان یتدء بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره** ولیکن تادیبه بسیره و قبل تادیبه بلسانه و معلم نفسه و مؤدبها حق بالا

جلال من معلم الناس و مؤدبهم (۴)

«کسی که خویشتن را پیشوای مردم قرار داده لازم است نخست خود را تعلیم دهد قبل از آنکه ب دیگران بپردازد و باید وسیله تادیبش سیره و روش و رفتار و عمل او باشد پیش از آنکه با زبان چیزی بگوید، و کسی که خویشتن را تعلیم و تادیب نماید از کسی که مردم را تادیب و تعلیم مینماید، به اجلال و احترام سزاوارتر است»

و در جای دیگر به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند ولی خود عمل نمی‌کنند. و تنها حرف می‌زنند، لعنت و نفرین فرستاده: **لعن الله الامرین بالمعروف العاکین له و الناهین عن المنکر العاملین به**. (۵)

لذا بقیه را در صفحه ۶۲ مطالعه فرمائید

۱- ۲- ۳- غرر الحکم ص ۲۲۶ - ۲۲۷- از گفتار سرور عالمان عامل امام علی (ع)

۴- نهج البلاغه، و وسائل الشیعه کتاب امر به معروف و نهی از منکر باب ۱۰ روایت ۵-

مدرک قبل روایت ۹

جهاد الشیعة

(۴)

آغاز مبارزه شیعیان با حکومت عباسیان

اقتباس و
نگارش مهدی
پیشوائی

شیعیان که با تلخی دریافتند که عباسیان ، از مبارزات و نیروهای انقلابی آنان ، برای رسیدن به حکومت و قدرت استفاده کرده‌اند، سخت خشمگین شدند ، و این بار - پس از امویان - مبارزه با عباسیان را آغاز کردند .

موضع عباسیان در برابر انقلاب های شیعیان در نوسان بود .

از سال ۱۰۰ تا ۱۳۲ هـ مقطع زمانی حساسی بود که در تعیین شکل روابط و مناسبات مابین علویان و پیروان آنان از یک سو ، و عباسیان از سوی دیگر ، نقش مهمی داشت .

بررسی حوادث این مقطع زمانی که پر از تحولات و درگیریها بود ، انگیزه های جنبشها و قیام های شیعیان را در دوره اول حکومت عباسی (۱۳۲-۲۳۲ هـ) روشن می‌سازد و بخوبی نشان میدهد که چگونه روابط این دو خاندان ، گاه بصورت پیوند و اتحاد ، و گاه به شکل برخورد و تصادم بود ، اما هر دو ، در مبارزه با حکومت اموی ، شریک وهم صدا بودند ، و همین امر ، به آنها مهلت نمیداد که اجماد و

لطفاً ورق بزنید

بی شک اگر مبارزات شیعیان با حکومت ضد اسلامی امویان نبود ، عباسیان هرگز نمی‌توانستند بر امویان پیروز گردند .

انقلاب های خونینی که توسط شیعیان در طول گسترش دعوت عباسیان (۱۰۰-۱۳۲ هـ) به وقوع پیوست ، مانع از آن شد که خلفای اموی ، تنها در یک جبهه جنگیده و تمام نیروی خود را برای رویارویی با فعالیت های عباسیان که در حال توسعه و گسترش بود ، متمرکز سازند .

این انقلابها ، بسیاری از نیروها و تلاش های حکومت امویان را به تحلیل برد و همین امر ، به دعوت عباسیان کمک نموده و راه را برای آنان صاف و هموار ساخت .

نوسان مناسبات خاندان هاشمی

و عباسی

حدود ثابت روش‌ها و مناسبات خود را مشخص سازند.

میرانجام ، این مبارزات و نبردها به نتیجه رسید، حکومت بنی‌امیه سقوط کرد، حکومت عباسیان روی کار آمد و پرده از روی هدف‌های اصلی عباسیان برافتاد و ماهیت حکومت آنان آشکار شد ...

با روی کار آمدن حکومت عباسیان ، شیعیان از شگرد هم‌زمان دیروز خود ، سخت‌خشمگین و متأسف شدند ، زیرا دریافته‌اند که عباسیان از مبارزات آنان بهره‌برداری نموده و با قبضه کردن حکومت و خلافت ، نسبت به آنان خیانت کرده‌اند .

از این رو ، روابط مابین شیعیان و عباسیان سخت تیره شد و همین امر منجر به انقلاب‌ها و نهضت‌های شیعیان بر ضد حکومت عباسیان در دوره اول آن گردید .

برای شیعیان مسلم شد که ماهیت حکومت عباسیان نیز عیناً همان ماهیت پلید حکومت امویان است بلکه به مراتب بدتر! زیرا عباسیان برای رسیدن به هدف خود ، تظاهر به دوستی و طرفداری از بنی‌هاشم نموده از نیروهای انقلابی شیعه ب‌نفع خود بهره‌برداری کرده و به عنوان خونخواهی آنان به قدرت رسیده بودند، ولی پس از استقرار حکومت خود ، شیعیان را مزاحم خویش می‌دانستند و به نابودی آنان مصمم بودند .

شگرد های سیاسی

آغاز مبارزه شیعیان با حکومت عباسیان

از سال ۱۳۲ هـ که برای «ابوالعباس

سفاح» به‌عنوان نخستین خلیفه عباسی از مردم بیعت گرفته شد، عباسیان ، لباس سیاه را به نشانه سوگواری بمناسبت مظلومیت و شهادت بنی‌هاشم ، شعار خود قرار دادند و برای تحکیم موقعیت خود ، در جلب عواطف توده‌های شیعه کوشش کردند و به‌انتساب خود بخاندان پیامبر ، تظاهر فوق‌العاده‌ای نمودند.

«ابوالعباس» در نخستین سخنرانی خود که در شهر «کوفه» مرکز شیعیان ایراد کرد، کوشش زیادی به کار برد تا بحکومت خود ، جنبه اسلامی و مذهبی راستین بدهد از این گذشته در اثبات انتساب عباسیان به خاندان رسالت، تأکید فراوان به کار برد و آیات مربوط به خاندان پاک پیامبر را که در قرآن مجید آمده ، قرائت و به عباسیان تطبیق کرد .

آنگاه سخن خود را با تجلیل از مردم کوفه به پایان برد و آنان را دوستدار خاندان پیامبر (نه خاندان علی!) معرفی نمود (۱) در حالی که میدانیم کوفیان عموماً شیعه بودند و شیفتگی و علاقه فوق‌العاده‌ای به خاندان امیرمؤمنان (ع) داشتند ولی ابوالعباس عمداً علاقه آنان را بطور کلی متوجه خاندان پیامبر معرفی کرد تا شامل عباسیان نیز نگردد! و اینها همه برای این بود که دل شیعیان را بدست آورده از عکس‌العمل آنان جلوگیری نماید.

از طرف دیگر، با وجود اخذ بیعت از لفظاً بقیه را در صفحه ۶۰ مطالعه فرمائید

۱- تاریخ طبری ج ۶ ص ۸۱-۸۳

رسالت انبیاء مبارزه با استکبار و استضعاف است

پیشوایان مکتب توحید، در برابر نظام طبقاتی استکبار و
استضعاف آشتی ناپذیرند

رسالت میان دو سیستم اجتماعی و اقتصادی
که یکی استکبار و استضعاف را صریحاً یا تلویحاً می-
پذیرد، آنگاه، از باب ترجم، یا از باب جلوگیری از
انفجار، از راه باز گذاشتن يك دريچهٔ اطمینان، سعی
میکند که تا اندازه‌ای آن را کنترل یا تعدیل نماید و
دیگری، از اساس، اصالت را به نفعی استکبار و استضعاف
میدهد و توده‌ها را به مبارزه با آن بطور پیگیر و جدی فرا
میخواند.

سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی دنیای کنونی
عمده کاپیتالیسم و هم‌سویالیسم استکبار و استضعاف
را عملاً پذیرفته‌اند و اگر گاه گاهی، در راه حمایت
مستضعفین، گامی برمیدارند، تنها از راه مصلحت-
اندیشی است. آنها به این قانون فیزیکی آگاهند
که اگر دیک بخار، يك دريچهٔ اطمینان نداشته
باشد و بوسیله باز گذاشتن آن از تراکم بیش از حد
بخارات، جلوگیری نشود، خواهد ناخواه، آن دیک
منفجر می‌شود و خسارت‌های بسیلر سنگینی به بار
می‌آورد.

حمایتی که آنها از مستضعفین میکنند یابی-
اعتنائی که گاهی نسبت به مستکبرین از خود نشان
میدهند، در حقیقت برای این است که يك دريچهٔ
اطمینان به روی خلق‌های زیرستم باز بماند، تا
منجر به انقلاب و انفجار نشود. زیرا آنها به خوبی
میدانند که اگر انفجار و انقلابی رخ دهد، باید

خسارتی، سیار سنگین متحمل شوند.
در این اواخر، که نظام طاغوتی شاه و کارتر،
احساس کرده بود که جامعهٔ محروم و مستضعف
ایرانی در آستانهٔ انفجار انقلاب است بفرگشودن
يك دريچهٔ اطمینان افتاد. نظام استکبار و طاغوتی
شاه، کارتر میخواست با دادن يك سلسله آزادیهای
مصنوعی و فریبنده و ایجاد يك فضای باز سیاسی و
گول زنده، جلوانقلاب و انفجار را بگیرد. اما
دست‌اندر کاران این سیاست، دیربیدار شده بودند
زیرا همه دیدیم که باز شدن دريچهٔ اطمینان هم
نتوانست مانع انفجار و انقلاب شود.

اما آنچه برای همه، جالب توجه بود، این بود که
سران کشورهای سوسیالیستی و هم‌سران کشورهای
سرمایه‌داری، تا آخرین لحظه و بلکه هنوز! -
از شاهی که امواج کوبنده انقلاب، گیج و حیرانش
کرده بود حمایت کردند - میکنند! - هم اکنون،
حملة شوروی به افغانستان، تجاوز آشکاری است
به حقوق مردمی که بپا خاسته‌اند تا همهٔ مظاهر ظلمیان
و استکبار را محو کنند. خواه نور محمد تره‌گمی
باشد یا «حقیقت‌الله امین» یا «بیرك كارمل»
(و بقولنی: بیركامل!)

در سیستم اجتماعی و اقتصادی اسلام، اصل بر
این است که استکبار و استضعاف نباشد جامعه طبقاتی
مثل ساختمان چند طبقه میماند که تمام سنگینی و
لطف و رقی بریزد

رسالت انبیاء مبارزه با استکبار و استضعاف است

استثمار و استبداد و نه...! تشکیل چنین جامعه‌ای نیاز به مبارزه دارد آنها هم مبارزه مکتبی، یعنی جهاد یعنی نبرد مسلحانه در موارد ضرورت، اگر چنین نیست، چه نیازی به نیروی ضربتی شدید آهن است؟!؟

پیام آوران مکتب‌های توحیدی، نقش رهبری دارند. این مردمنده که باید رهبری آنها را بپذیرند و پیام حیات بخش آنها را بشنوند و قیام کنند. اگر چنین نیست، پس چرا قرآن میگوید: برای اینکه مردم قیام به قسط و عدل کنند؟!؟

خداوند نظام اجتماعی قسط و عدل و نظام ضد استکبار و استضعاف را نظام خودش و نظام پیامبرانش میداند. با اینکه پرواضح است که چنین نظامی مردمی و در جهت خیر و صلاح و منفعت «ناس» است. آنچه در آیه مورد بحث آمده، بصورت جمع بندی و کلی اهداف همه رسولان و همه رهبران و پیشوایان مکتب‌ها و جامعه‌های توحیدی است در بعضی آیات قرآنی، بطور جداگانه به هدف بعضی از آنان اشاره شده است. در سوره قصص آیه ۳۰ و ۳۱ به پیامبر اسلام می‌گوید:

تَقُولُوا عَلَيْنَا مِنَ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . ان فرعون علافی الارض وجعل اهلها شیعا يستضعف طائفة منهم يذبح ابنائهم ويستحيى نساءهم انه كان من المفسدين .

ما اخبار موسی و فرعون را بدانگونه که سیمای حقیقت را روشن سازد، برای تو می‌گوییم تا برای پیروان مکتب توحید درسی و عبرتی باشد فرعون در روی زمین برتری جست و مردم را به گروه‌های مستکبر و مستضعف تقسیم کرد، پسران گروه مستضعف را سر می‌برید و دخترانشان را زنده می‌گذاشت. او یکی از مردم مفسد و تب‌کار بود.

فشار آن روی طبقه زیرین است و اگر احساس شد که طبقه زیرین تحمل سنگینی و فشار طبقه یا طبقه‌های بالا را ندارد، طبقه‌های بالا را خراب می‌کنند و بار آن را زدوش طبقه پائین بر میدارند تا بتوانند روی پای خود بایستند.

پیش‌رایان آسمانی و رهبران مکتب‌های توحیدی، معمارانی بوده‌اند که همواره در راه‌آزمیان بردن و به‌زیر آوردن طبقه مستکبر که تمام بار و فشارشان بر دوش طبقه مستضعف بود، کوشیده‌اند.

آنها هیچوقت در فکر این نبوده‌اند که با تعدیل طبقه مستکبر و تقویت بنیه اقتصادی مستضعف، کاری کنند که نظام طبقاتی باقی بماند و از میزان نارضایتی‌ها تا حدی کاسته شود و زمینه انقلاب و انفجار از بین برود. آنها همه انقلابی بوده‌اند

مبارزاتی پی‌گیر و خستگی‌ناپذیر نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص) همه در راه تغییر سیستم بود، نه در راه تعدیل سیستم.

به این سخن جاودانی قرآن که به همه مستضعفین جهان جان و نیرو می‌بخشد و مستکبران را خوار می‌دبختی می‌افزاید، توجه کنید:

لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغيب ان الله قوي عزيز (حدید ۲۶)

«ما پیامبرانمان را با دلائل روشن فرستادیم و به همراه ایشان کتاب و میزان نازل کردیم، برای اینکه مردم قیام به قسط و عدل کنند و آهن فرستادیم که هم در آن نیروی ضربتی شدید است و هم برای مردم منافعی دارد، همانا خداوند، بسیار قوی و مقتدر است»

هدف پیام آوران مکتب‌های توحیدی تشکیل جامعه قسط و عدل است، نه جامعه انحراف و ظلم نه جامعه استکبار و استضعاف، نه جامعه بدبخت

نظام استکبار و استضعاف را به هر نام و به هر نشانی که باشد واژگون سازید

قرآن

سنگر مبارزه حق طلبانه و جهاد در راه نجات
مستضعفان جهان، به زیر آورند .

ولی هیئات! اوباهمان استقامت و مستانت
ویژه خود، فرمود: از شما هیچ نمیخواهم فقط از
شما یک انتظار دارم و آن اینکه به یکتائی خداوند
بزرگ اعتراف کنید آنها که فکر کرده بودند پیامبر
اسلام میخواهد سازشکاری پیشه کند بسیار خوشحال
و امیدوار شدند ولی با شنیدن این جمله، سخت
مایوس شدند و گفتند: حاضر نیستیم، ۳۶ خدا را
به خاطر «خدای یگانه» رها کنیم (۲)

آنها حاضر بودند که گاه در برابر خدای محمد
(ص) سجده کنند، به شرطی که پیامبر هم گاهی در
برابرتهای ایشان به خاک بیفتد، ولی اوبه اشاره
و حی خدای مستضعفان می گوید:

یا ایها الکافرون لاعبد ما تعبدون
(سوره کافرون ۲۰۱)

ای کافران من معبود (پوشالی) شمارا نخواهم
پرستید .

اینها همه نشانگر این حقیقت است که جامعه
توحیدی اسلام ضد طبقاتی و ضد استکبار و استضعاف
و استثمار و استعمار و استبداد ... است. پیامبران
خدا و امامان شیعه در این راه گام برداشته و قولا و
عملا هدف الهی خود را دنبال کرده اند . انقلاب
اسلامی ما نیز به دلیل اینکه اسلامی است، ضد
طبقه و ضد استکبار و استضعاف ... است .

در اینجا از یکسو فاسفه بعثت و قیام حضرت
موسی (ع) روشن میشود و از سوی دیگر به پیروان
پیامبر گرامی اسلام هشدار میدهد که راه شماره
موسی و نهضت شما تداوم نهضت همه پیامبران
الهی است و شما هر کس ایمان به رسالت آسمانی
پیامبران دارد، باید علیه طاغوتها و مفسدها و
فرعونهای زمان قیام و مبارزه کنید و نظام استکبار
و استضعاف را به هر نام و به هر نشانی باشد واژگون
سازید .

به همین جهت است که شخص پیامبر اسلام هرگز
با هیچ مستکبری سازش نمیکند و به هیچوجه
روحیه و سلیقه آشتی پذیری از خود نشان نمیدهد
ابتدا مستکبران قریش نزد ابوطالب می روند و
تهدید میکنند که اگر برادر زاده اش دست از رسالت
و مبارزه خود بر ندارد آتش نبرد برافروخته خواهد
شد و نتایج وخیمی به بار خواهد آمد، ابوطالب
نزد پیامبر می رود و سخنان آنها را باز گو میکند
پیامبر پاسخ میدهد: به خدا اگر خورشید را در
دست راستم بگذارند و ما را در دست چپم، که این
رسالت را رها کنم، هرگز رها نخواهم کرد. مگر
اینکه خداوند پیروزی بدهد یا کشته شوم (۱)

تهدیدات آنها همچون کوبیدن آب در هاون یا
زدن چکش به سندان بود از اینرو به تمطیع پرداختند
شاید بتوانند با وعده تاج و تخت و مال و منال و
دختران زیباروی و فراهم کردن همه نوع امکانات
مادی، او را به تسلیم و آشتی وادارند و او را از

جنبش اسلامی در اروپا

موج الله اکبر اروپا را فرامیگیرد نفوذ اسلام در آلمان غربی به همت مبارزان مسلمان روز بروز بیشتر میشود!

ایران یافته‌اند، و متوجه شده‌اند که صدای اسلام، صدای نیرومند و مقتدری است. آلمان غربی تنها کشور اروپایی نیست که شاهد این جنبش مذهبی و اثرات فوق-العاده آن در حیات سیاسی منطقه خود میباشد. در انگلستان نیز سازمانهایی مانند «برادری اسلامی» و «گروه مبارزان پاکستانی» علائق بنیادی اسلامی را به درون جامعه میدمند.

در «مادرید»، هواداران اسلام بویژه اهالی عربستان سعودی و کویت، مرکز فرهنگی اسلامی بسیار بزرگی به ارزش ۸ میلیون و سیصد هزار دلار که سالنهای خطابه و مراکز زیست است بنا می‌کنند حتی مردم سوئیس که کشورشان موطن تنها ۵

درون انباری تاریک و غیرقابل زیست در حوالی شهر «کلن» آلمان غربی، بیش از دوهزار ترک بالباس مرتب و جوراب بپند، روبسوی شهرمکه نشسته‌اند. در این روز جمعه، روز مقدس مسلمانان، امام جماعت در باره برتری‌های اسلام و زیانهای کفر سخن می‌گوید، فریاد الله اکبر آنها شنیده میشود فریادی که از خیابانهای اطراف گذشته، درپانصد مرکز مذهبی که در سراسر اروپای غربی وجود دارد طنین انداز میشود. واعظ و خطیب قرآن که خود در آلمان زاده شده است، با تعظیم به دین اسلام می‌گوید:

این مستضعفین، قدرت اسلام را در

هزار مسلمان است ، متوجه شرایط و اوضاع شده با مسخره کردن شاه مخلوع ایران ، علیه او بردیوارهای شهر شعار نوشته اند . هلیس ، مبارزین را که در میان آنها صدها دانشجوی ایرانی وجود دارد مقصر می داند ، بی آنکه آگاه باشد در سراسر اروپا ، جنبش وسیعی از مسلمانان انقلابی بوجود آمده است که آثار بنیادی دارد .

جنبش اسلامی در میان کارگران

پشتیبانی از جنبش اسلامی در میان ۲/۵ میلیون ترك که در آلمان غربی زندگی میکنند و بسیاری از آنها کارگران مهاجرند قویتر از سایر جاهاست زندگی روزانه بیش از نهصد هزار مسلمان ، در اطراف تقریباً دویست مرکز مذهبی از قبیل مسجد ، تالار خطابه و مدرسه تعلیم و قرآن میگذرد و در سالهای اخیر حدود پانصد هزار کودک ترك که بعضی از آنها سومین نسل متقیم آلماناند در مدارس اسلامی مشغول تحصیل بوده اند در معادن زغال سنگ «دره رور» جایی که کارگران خارجی نیمی از نیروی کار را تشکیل میدهند ، کارگران ترك در روز پنج بازار کار دست کشیده بنماز میایستند .

رهبر مذهبی آنان می گوید : بسیاری از این مردم وقتی به اینجا آمدند به بی بندوباری و مشروبات الکلی پناه بردند ، زیرا در اینجا چیز دیگری وجود نداشت . ولی اکنون جانشینی یافته اند ، چیزهائی یافته اند که زندگی رنج آور آنها را قابل تحمل نموده ، معنای تازه ای بدان داده است .

الهام از انقلاب ایران

بسیاری از کارگران ترك از انقلاب ایران الهام گرفته اند و در يك گردهمائی در جلوی سالن اپرای «کلن» حدود هفت هزار ترك

فریاد درود بر آیت الله خمینی سر داده اند و آموزش اصول و ایدئولوژی اسلامی جهت مسلمانان آلمان غربی شده اند .

در مراکز فرهنگی آنها سخن از جزوات قرآن تازه چاپ بمیان می آید ، از کتابخانه های پراز کتاب ، بزبانهای ترکی ، عبری و آلمانی و پوسته های مسجد صوفیه در استانبول و سایر اماکن متبرکه سخن گفته میشود . تنها امسال حدود دویست رهبر مذهبی ترك در تورهای مربوط به آلمان غربی دعوت شده اند . رهبر مذهبی که خود قبل از آنکه اسلام پذیرد پروتستان بوده است ، میگوید در آلمان مردم ترك برای پیگیری علایق اسلامی خود ، آزادی هایی دارند که در زادگاهشان چنین آزادیهائی وجود ندارد ، در حقیقت ، مردم مبارز در اینجا منتظر مبارزین مذهبی برای جهت دادن بمبارزه هستند .

ارزش های نوین انسانی :

دوشیزه سلطانایک دختر بیست و دو ساله معتقد است اسلام ، حالتی به او داده است که در صورت عدم پذیرش ، آنرا در آناتولی کوچک در حوالی مونیخ از دست داده بود . ام الفضیه دختر بیست ساله ترك که در برلن تولد یافته و سابقاً لباس چین و یکنی می پوشید ، اخیراً رقص دیسکو را کنار گذاشته ، لباس اسلامی می پوشد . او به گزارشگر مجله نیوز ویک گفت : «من بسوی قرآن روی آوردم» و این برای من فرصتی است که بتوانم برای خود احترام و اهمیتی را که در آلمان هرگز بمن داده نشده است کسب کنم .

همانطور که انتظار می رفت کوشش های دولت برای جنب جمعیت ترك در برابر لطفاً بقیه را در صفحه ۶۶ مطالعه فرمائید

موج
الله
اکبر
اروپا
را
فرامی
گیرد

شکر و سپاس

اذکرونی اذکرکم واشکروالی ولا تکفرون مرایاد کنیدتا

شمارایاد کنم، شکر نعمت مرا به جا آورید و کفران نعمت نکنید .

شکر و سپاس از مفاهیم اخلاقی و اجتماعی است که تمام ملل با آن آشنائی دارند، و به يك معنی ریشه فطری و وجدانی دارد، و هر فرد با وجدانی خود را در برابر نیکی افراد خاضع و خوشحال و موظف به ادای سپاس می بیند .

دانشمندان امروزه مسأله «سپاس» و «تقدیر» از دیدۀ «مدیریت» و رهبری می نگرند و از شرایط لازم مدیریت، این می دانند که در تقدیر افراد نیکوکار و وظیفه شناس بکوشد، و هرگز به گروه و وظیفه شناس و گروه متخلف از وظیفه بريك چشم ننگرد .

تقدیر و تشویق در احیاء روح کار ، و تشویق نیکوکاران به فعالیت های ثمربخش ، نقش مؤثری دارد و اگر از کوشش های گروه های مسئول و متعهد ، تقدیر و تشویقی به عمل نیاید، چه بسا این کار مایه بی رغبتی این گروه ، و سبب جرأت متخلفان گردد .

امیرمؤمنان در یکی از سخنان خود به این حقیقت تصریح می کند و می فرماید :

«لا یكون المحسن والمسی عندك بمنزلة سواء فان فی

ذلك تزهیداً لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریباً لاهل

الاسالة فی الاسالة (۱)

: هرگز نباید نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان باشند زیرا چنین یکسان

نگری، مایه بی رغبتی نیکوکار و جرأت متخلف می گردد.

شکر، يك مقام معنوی بزرگ

در حالی که در جهان امروزه مسأله سپاس از زاویۀ امورمادی و دیدۀ مدیریت صحیح و جلب افراد نیکوکار به کارهای نیک، می نگیرد (و این در حد خود مطلب درست و مفید است) دانشمندان اخلاق اسلامی به این مسأله از دیدۀ دیگری می نگرند، و شکر و سپاس خدا را از مقامات سالکان راه حق ، و عارفان واقعی می دانند و سپاس را عالی ترین عملی می دانند که او را به مقصود معنوی می رساند .

اگر مردم امروز سپاس و تقدیر را نشانه انسانیت و مظهر ادب و اخلاق و فرهنگ پیش

(۱) نهج البلاغه نامه ی امام به مالک اشتر

شکر و سپاس

رفته می‌دانند ، قرآن برای سپاس ، بعد معنوی عظیمی (علاوه بر این بعد مادی) قابل است و آن را در ردیف یاد خدا که به موجب آیه «و لذكر الله اكبر» (عنكبوت آیه ۴۵) بالاترین مقام است ، قرار می‌دهد و در آیه مورد بحث می‌فرماید :

«اذكروني انذركم واشكروا لي» : مرا یاد کنید و سپاس مرا به جای آورید . و در آیه دیگر ، آن را در کنار ایمان به خدا می-

آورد و می‌فرماید :

«ما يفعل الله بعذابكم ان شكرتم و آمنتم» (نساء آیه ۱۴۷) : خداوند چه غرضی دارد که شمارا عذاب کند اگر شما سپاسگزار باشید و به او ایمان بیاورید .

دراهمیت این مقام همین بس که شیطان تهدید می‌کند که نخواهد گذارد بندگان او سپاسگزار باشند ، و یگانه آرزوی او این است که بندگان خدا به جای سپاس ، کفران نعمت کنند. آن جا که می‌فرماید :

ولا تجد اكثرهم شاكرين (سوره اعراف آیه ۱۷) : بیشتر بندگان را ، سپاسگزار نخواهید یافت .

از این جهت خداوند به فرزندان داود هشدار می‌دهد که سپاسگزار باشند زیرا بندگان سپاسگزار بسیار کم است چنانکه می‌فرماید :

اعملوا آل داود شكرا و قليلا من عبادي الشكور (سبا آیه ۱۳) فرزندان داود سپاسگزار باشید ، بندگان سپاسگزار بسیار کم است .

دراهمیت مقام سپاس همین بس که خداوند ، در توصیف بندگان بلند پایه خود از شکر و سپاسگزاری آنان یاد می‌کند و نوح و ابراهیم را شکور و شاكر معرفی می‌نماید آن جا که می‌فرماید :

انه كان عبدا شكورا (سوره اسراء آیه ۳) : او (نوح) بنده سپاسگزاری بود

شاكرآ لانعمه اجتباه و هداه الي صراط مستقيم (نحل آیه ۱۲۱) : ابراهیم

سپاسگزار نعمتهای خدا بود او را برگزید و به راه راست هدایت کرد .

در بزرگداشت این مقام همین کافی است که خداوند نیز خود را به همین دو صفت می‌خواند

و می‌گوید : «**والله شكور عليم**» (تغابن آیه ۲۷) - ان الله شاكر عليم (بقره آیه ۱۵۸)

بطور مسلم شاكر بودن خدا ، در برابر شاكر بودن بندگان ، جز يك تشابه لفظی چیزی نیست و توصیف خدا ، با این دو وصف به معنی شکر پذیری و پاداش دهی است ، نه شکر گذاری و سپاس گری .

درجات سپاس

در هر حال خواه به مسأله شکر و سپاس از دیده مسائل اخلاقی و اجتماعی بنگریم و سپاس بشری را در برابر بشری در مد نظر قرار دهیم ، و یا از دیده يك عارف و

شکر و سپاس

سالک به آن بنگریم و سپاس انسانی را در برابر خدا مورد بررسی قرار دهیم در هر دو صورت باید توجه نمود که سپاس ، دارای مراحل و درجاتی است که غالباً افراد به یکی از این درجات توجه نموده و از درجات دیگر آن غفلت ورزیده اند .

علمای اخلاق سپاس را به صورت‌های مختلفی تعریف کرده‌اند ، و هر کدام با تعریف خود ، به درجه‌ای از درجات - شکر اشاره کرده است و کمتر تعریفی است که بتواند همه مراتب را بازگو کند . با آشنایی با درجات سپاس ، مفاد این معرفی‌ها به روشنی معلوم خواهد گشت .

علمای اخلاق می‌گویند : پایه‌های « سپاس » را سه چیز تشکیل می‌دهد
۱ - شناخت نعمت و منعم ، ۲ - حالت انفعال نفسانی که با خضوع در برابر فرد نیکوکار و فرح همراه است ۳ - انجام دادن هدفی که مقصود فرد انعام‌گر از انعام خود بوده است . (۲)

با توضیح مراتب شکر که ذیلاً بیان می‌شود ، واقعیت این امور سه گانه روشن می‌گردد :

ارزش ویژه شناخت

۱ - نخستین مرحله شکر و سپاس ، شناخت ارزش کار و موقعیت فرد نیکوکار است و یک چنین شناخت ، پیوسته با یک نوع انفعال نفسانی و خضوع قلبی توأم با سرور و شادی از انعام منعم همراه می‌باشد . یک چنین شناخت ، با قلب انسان و مراکز تفکر و اندیشه ارتباط دارد و از وظائف روح و روان به شمار می‌رود . و در حقیقت شناخت کار و نیکوکار ، پایه دیگر مراتب سپاس به شمار می‌رود ، و این نقطه جدائی یک انسان فهیمه از فرادغافل و بی توجه است که بسان یک حیوان ، از خوان نعمت انسان‌های نیکوکار بهره می‌گیرند ، ولی از آفریننده نعمت و بخشاینده آن غافل و ناآگاهند .

و به یک معنی می‌توان روح سپاس را در این نقطه جستجو کرد و گفت که همین شناخت است که انسان را بالا می‌برد و به او تکامل می‌بخشد .

به عبارت دیگر ، شناخت ارزش کار و فرد نیکوکار ، و خضوع قلبی در برابر بزرگواری افراد ، بسان « قصد قربت » در عبادت الهی است که روح عبادت و جنبه‌های مثبت آن فقط و فقط در جنبه‌های الهی آنست ، یعنی کار برای خدا و به فرمان خدا ، و عمل منهای یک چنین خصیصه روحی بسان جسدی جان و درخت خشکی است که کاری از آن ساخته نیست .

به خاطر اهمیتی که این درجه از شکر دارد ، امام صادق (ع) می‌فرماید :

من انعم الله عليه بنعمة فعرها بقلبه فقدا دی شکرها (۳) : هر کس که مورد انعام خداوند قرار گیرد ، و آن را از صمیم قلب بشناسد ، حق سپاس آن را اداء کرده است . امام صادق در حدیث دیگر می‌فرماید : ومن الشکر رؤية النعمة من الله (۴)

شکر و سپاس

از درجات سپاس این است که بدانیم نعمت از جانب خدا است .
در حدیثی وارد شده است که موسی بن عمران با خداوند مناجات می کرد و می گفت :
خدایا چگونه سپاس ترا به جا آورم در حالی که انجام هر سپاس به وسیله نعمتی است که
برای خود ، سیاسی لازم دارد . در این موقع خطاب آمد : اکنون که چنین شناختی به تو
دست داد ، سپاس مرا انجام دادی . (۵)

اظهار شناخت و خضوع

۲ - درجه دیگر از سپاس این است که شناخت خود را اظهار کند ، و به تصدیق
و خضوع قلبی خود ، اعتراف نماید . چه بسا ممکن است حقیقتی بر انسان روشن باشد ،
اما اظهار و اعتراف به آن ، برای او سنگین باشد ، شایسته يك انسان کامل این است که
کبر را کنار بگذارد ، و به حق اعتراف کند و شناخت قلبی خود را در قالب اقرار بریزد خضوع
حقیقی آنگاه انجام می گیرد که انفعال روحی خود را ظاهر سازد ، و از ابراز آن نهراسد ، و
کوچکی خود را در برابر فرد نیکوکار ، آشکار سازد .

مردی از امیر مومنان واقعت و حقیقت اسلام را سؤال کرد ، امام در پاسخ او
فرمود : حقیقت اسلام همان تسلیم باطنی و درونی (که همان یقین است) می باشد . آنگاه
می فرماید : آن یقین معتبر است که از روی دلیل و آگاهی صحیح می باشد و به اصطلاح
حالت تصدیق داشته باشد ، سپس می فرماید : باید ایمان باطنی و تسلیم درونی از طریق اقرار
آشکار گردد . (۶)

از این جهت علمای اخلاق می گویند : پس از شناخت قلبی ، نوبت زبان می رسد که
انسان حق شناس با اعتراف زبانی ، خضوع خود را آشکار سازد .

گروهی بودند که از نعمت و مقام منعم ، شناخت قلبی داشتند ولی از اعتراف به آن
خودداری می کردند که علتی جز کبر و غرور نداشته است قرآن در باره این گروه
می فرماید :

يعرفون نعمة الله ثم ينكرونها و اكثرهم الكافرون
(نحل - ۸۳)

: نعمت های خدا را می شناختند ، آنگاه آن را انکار می کردند ،
بیشتر آنان کافرند .

تا این جا دو مرحله از مراحل سپاس روشن گردید و تشریح آخرین درجه آن ، به شماره
آینده موكول می شود .

۳ - اصول کافی ج ۲ ص ۹۶ حدیث ۱۵

۴ - سفینة البحار ج ۱ ص ۷۱۰

۵ - اصول کافی ج ۲ ص ۹۸ حدیث ۲۷ - غزالی نیز این حدیث را در احیاء العلوم

جلد ۴ ص ۱۰۷ ط حلی آورده است .

۶ - الاسلام هو التسليم ، والتسليم هو اليقين واليقين هو التصديق والتصديق هو الاقرار (نهج -

البلاغه کلمات قصار شماره ۱۱۰)



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي مرکز